

زمینه‌ها و پیامدهای خشونت جنسی در زنان بی‌خانمان

منصور فتحی* ، خدیجه فیضی پور** ، علی اصغر درویشی فرد***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۷

چکیده

مطالعه حاضر با هدف فهم عمیق زمینه‌ها و پیامدهای خشونت جنسی در زنان بی‌خانمان انجام گرفته است. روش پژوهش حاضر کیفی و از نوع گراند تئوری است و اطلاعات با استفاده از تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختارمند گردآوری شده است. مکان انجام مطالعه حاضر محلات شمیران، شوش و هرنادی است. مصاحبه‌ها در یک دوره زمانی شش‌ماهه انجام شد. تعداد مشارکت‌کنندگان ۱۹ نفر است که با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری و هدفمند و با معیار اشباع اطلاعات انتخاب شده‌اند. بعد از تحلیل اطلاعات، یافته‌های تحقیق، در بُعد سببی عواملی همچون؛ اعتیاد و رفتارهای اعتیادی، وابستگی اقتصادی، شیوه زندگی روزمره و حیطه‌های فضایی، در بُعد زمینه‌ای عواملی همچون؛ خانواده ازهم‌گسیخته و محلات بی‌سازمان شهری و تشدید خطر قربانی شدن و در نهایت در بُعد مداخله‌گر عواملی همچون؛ عدم امکان پیگیری قضایی و تداوم خشونت، فقدان حمایت‌ها و سیاست‌های اجتماعی استخراج گردید. مقوله یا پدیده محوری پژوهش، آسیب‌پذیری و بی‌پناهی است. استراتژی‌های زنان بی‌خانمان در برخورد با وضعیت و شرایط موجود به دو شکل، سازگارمادر و تغییرمادر است. همسو با نگرش مددکاری اجتماعی، هرگونه مداخله در وضعیت افراد بی‌خانمان، نیازمند نگاه جامع و سیستماتیک به ابعاد مختلف پیدایش مسئله، نیازها و چالش‌های آن‌ها است.

واژه‌های کلیدی: خشونت جنسی، زنان بی‌خانمان، تجربه زیسته، گراند تئوری

* استادیار گروه مددکاری اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. fathi.mansour@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

kh.fayzi1370@gmail.com

*** دانشجوی دکتری مددکاری اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

darvishi68.swork@gmail.com

طرح مسئله

خشونت جنسی، یکی از ابعاد اصلی خشونت علیه گروه‌های مختلف از جمله زنان است که تحقیق حاضر با محوریت آن انجام می‌پذیرد. بر طبق اعلامیه سازمان بهداشت جهانی، خشونت جنسی عبارت است از: هرگونه عمل جنسی، تلاش برای دستیابی به یک عمل جنسی یا هرگونه اقدام دیگری که علیه شخص دیگر با استفاده از اجبار، توسط هر شخصی بدون در نظر گرفتن رابطه آنها با قربانی و در هر شرایطی انجام شود (شبکه گرجستان برای پایان دادن به آزار جنسی^۱، ۲۰۲۰). خشونت جنسی تأثیرات نامطلوب عمیقی بر سلامت جسمانی، اجتماعی و روحی - روانی افراد دارد. درگیری با مسائل روانی، مشکلات جسمی، اختلال در روابط اجتماعی، مصرف مواد، خودکشی و موارد مشابه دیگر، احتمالاً توسط قربانیان خشونت تجربه می‌شود. خشونت جنسی از مصادیق اصلی خشونت علیه زنان است که در ارتباط با زنان مختلف و در محیط‌ها و فضاهای مختلف قابل بررسی است. خانه، محیط کار، دانشگاه، مدارس، محلات شهری آسیب‌خیز و نظایر آن از جمله فضاها و محیط‌هایی است که در آنها خشونت جنسی روی می‌دهد و در تحقیقات مختلف کم‌وبیش بر آنها تأکید شده و مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

به‌عنوان نمونه، پژوهش صادقی و لاریجانی (۱۳۸۹) نشان می‌دهد که حداقل نیمی از زنان شاغل نوعی از خشونت جنسی در محیط کار خود را تجربه می‌کنند. از نگاه ابادری و همکاران (۱۳۸۷) اگرچه ممکن است فضاهای شهری مخاطرات گوناگونی را برای افشار اجتماعی مختلف ایجاد کند، اما به نظر می‌رسد زنان به دلیل داشتن بدن زنانه‌ای که می‌تواند از سوی مردان با خطراتی چون تجاوز و اعمال خشونت جنسی مواجه شود، تجربه‌ویژه‌ای از احساس ناامنی از زندگی در فضای شهری را تجربه می‌کنند و این تجربه در میان گروه‌های مختلف زنان و در طبقات اجتماعی مختلف، دارای برخی ویژگی‌های مشابه است.

اگرچه، رفتار خشن با زنان در تمام جوامع و کشورها و در همه سطوح اقتصادی و اجتماعی دیده می‌شود، باین‌حال به نظر می‌رسد برخی از افراد و گروه‌ها به دلیل موقعیت‌های آسیب‌زایی که در آن قرار دارند، احتمال قربانی شدنشان بیش از دیگران است. بین خشونت جنسی و بی‌خانمانی ارتباط قوی وجود دارد (ائتلاف پنسیلوانیا علیه تجاوز، ۲۰۰۷). خشونت جنسی می‌تواند هم مقدم بر بی‌خانمانی و هم نتیجه آن باشد. قربانیان خشونت، اغلب به خاطر نیازهای اساسی خود مانند مسکن و سرپناه نیز وابسته هستند. در خیابان‌ها، افراد در معرض خطر بیشتری برای قربانی جنسی هستند. قربانیان آزار جنسی که بی‌خانمان و یا فاقد مسکن هستند، مجبورند که با آسیب‌های این آزار در فضایی که همراه با بیگانگی اجتماعی، انزوا، فقدان دسترسی به منابع قانونی و پزشکی و سایر چالش‌های مرتبط با رفع نیازهای اساسی است، مواجه شوند.

یکی از مهم‌ترین فضاهایی که خشونت جنسی در آن به‌وفور رخ می‌دهد و زنان، قربانی خشونت می‌شوند، محلات شهری آسیب‌خیز است. در واقع، زنان بی‌خانمان از مهم‌ترین و ابتدایی‌ترین گروه‌هایی هستند که مورد هدف انواع خشونت جنسی در این محلات قرار می‌گیرند. آن‌ها نسبت به قربانی شدن در محلات آسیب‌خیز شهری بسیار آسیب‌پذیر هستند. فضای حاکم بر این محلات و کنشگرانی که در آن حضور دارند، نیز به‌گونه‌ای است که امکان آسیب‌دیدگی این زنان را به‌شدت افزایش می‌دهد و آنان را به در دسترس‌ترین و آسیب‌پذیرترین گروه‌ها جهت قربانی شدن تبدیل می‌کند. تجربه محقق در محلات مورد مطالعه تحقیق (دروازه شمیران و هرنندی - یا دروازه غار سابق)، نشانگر این است که حضور در چنین فضاهایی همراه با ناامنی بسیار بوده و در شبانه‌روز شاهد خشونت‌های متعدد در تعاملات مابین کنشگران بوده‌اند.

فقدان نظارت‌های اجتماعی و انتظامی لازم در این فضاها و محلات از یک‌سو و حضور گروه‌های آسیب‌رسان بالقوه نظیر، قماربازان، مصرف‌کنندگان مواد، مردان بی‌خانمان، فروشندگان و خریداران مواد و نظایر آن ازجمله عوامل ویژه‌ای است که می‌تواند زمینه‌ساز آزار و خشونت جنسی برای زنان باشد. دسترسی محقق به محلات

مورد مطالعه، سهولت ارتباط با نمونه‌های تحقیق، فراوانی حضور نمونه‌ها در این محلات و تجربه اشتغال محقق به‌عنوان مددکار اجتماعی در محلات موردنظر ازجمله دلایلی است که در انتخاب محقق مؤثر بوده است.

خطر قربانی جنسی شدن در زنان بی‌خانمان به دلیل عوامل مختلفی همچون آزار در دوران کودکی، وابستگی به مواد، مدت زمانی که آنها بی‌خانمان هستند، استفاده از استراتژی‌هایی برای بقای اقتصادی، موقعیت مکانی در هنگام بی‌خانمانی، بیماری روانی و محدودیت‌های جسمانی افزایش یافته است. نتایج مطالعه گودمن و همکاران^۱ (۲۰۰۶) نشان می‌دهد که افراد بی‌خانمان قربانی خشونت جنسی، سه برابر بیشتر از افراد بی‌خانمان غیرقربانی، محدودیت عملکرد جسمی و مشکلات روان‌شناختی روانی جدی در ماه گذشته را تجربه کرده‌اند و دو برابر بیشتر از آنها احتمالاً مصرف الکل یا وابستگی به مواد مخدر را می‌توانند داشته باشند.

اگرچه آمار دقیقی از میزان شیوع خشونت جنسی در جوامع وجود ندارد، اما پیامدهای متعدد آن در ابعاد مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی باعث شده است که این پدیده در ردیف مسائل و معضلات اجتماعی عصر حاضر قرار بگیرد و ازجمله مسائل اجتماعی مهمی باشد که موجبات نگرانی و ایجاد دغدغه برای متخصصان حوزه‌های مختلف ازجمله مددکاران اجتماعی شود. پرداختن به موضوع خشونت جنسی علیه زنان بی‌خانمان با این بینش که آنها از آسیب‌پذیرترین و حاشیه‌ای‌ترین طیف‌های زنان در برابر انواع تهدیدات محیطی هستند، ضرورت آسیب‌شناسی موضوع و کنکاش ابعاد مختلف آن را مضاعف می‌کند.

مروری بر ادبیات موضوع خشونت جنسی در ایران نشان می‌دهد که اگرچه در مقالات محدودی به موضوع خشونت جنسی زنان بی‌خانمان اشاره شده است، ولی تاکنون پژوهشی در خصوص وضعیت خشونت جنسی زنان بی‌خانمان به‌صورت

اختصاصی انجام نشده است. خلأ مطالعات و تحقیقات علمی در این زمینه از مسائلی است که انجام تحقیق حاضر را در ایران ضرورت می‌بخشد و سهمی را در جبران خلأهای موجود از نظر تحقیقات مرتبط با حرفه مددکاری اجتماعی و هم‌چنین از بُعد یافته‌های تجربی به خود اختصاص می‌دهد. بنابراین، تحقیق حاضر در پی آن است که با موشکافی و کنکاش تجارب زنان بی‌خانمان در زمینه خشونت جنسی به فهمی عالمانه از موضوع برسد و ضمن استخراج خلأها و زمینه‌ها مؤثر بر خشونت جنسی زنان بی‌خانمان، به شناختی از استراتژی‌ها مقابله‌ای زنان و پیامدهای متعدد دست یابد. شناختی که انعکاس و بازتابی از مسائل و مشکلات تجربه‌شده زنان بی‌خانمان را فراروی اندیشمندان، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اجتماعی قرار می‌دهد.

علاوه بر این، پیش‌شرط هرگونه مداخله و یا سیاست‌گذاری، شناخت عمیق و عینی از وضعیت گروه هدف است. شناختی که تحقیق حاضر در پی دستیابی به آن است. از بعد سلبی می‌توان گفت، عدم توجه به مسائل و نیازهای متعدد بهداشتی، اجتماعی و روانی این افراد و عواقبی که برای محیط‌زیست خود دارند به‌مراتب هزینه‌های سنگین‌تری را متحمل جامعه می‌نماید. بنابراین در این حوزه نیازمند انجام تحقیقات جدی هستیم. با ذکر این مقدمات، سؤال اصلی تحقیق حاضر این است که زنان بی‌خانمان قربانی خشونت جنسی، زمینه‌ها و پیامدهای خشونت جنسی خود را چه می‌دانند؟

پیشینه پژوهش

- در پژوهش درویشی فرد و فیضی پور (۱۳۹۸)، با عنوان «فهم تجربه زیسته افراد بی‌خانمان»، که با روش کیفی و از طریق مصاحبه با ۱۸ نفر از افراد بی‌خانمان انجام شد، از تجزیه و تحلیل اطلاعات به روش تماتیک، ۷ تم اصلی استخراج شد که در واقع نشانگر تصویری سازمان‌یافته از تجربیات زنان بی‌خانمان می‌باشد. در این تحقیق، به

موضوع خشونت جنسی علیه زنان بی‌خانمان در دوتم اصلی (استراتژی تلاش برای بقاء و قربانی جرائم و آزار چندگانه) تأکید شده است.

- در تحقیق برتون و بونستون^۱ (۱۹۹۲)، با عنوان «خشونت جسمی و جنسی در زندگی زنان بی‌خانمان»، با ۸۴ زن مجرد بی‌خانمان که در پناهگاه‌ها زندگی می‌کردند، مصاحبه‌هایی راجع به تجاوز جسمی و جنسی، قبل از ترک خانه و پس از ترک آن انجام شد. نتایج نشان داد که بیشتر آنها مورد تجاوز جسمی یا جنسی قرار گرفته بودند. به شکل قابل توجهی، این اتفاق در خانه‌هایشان، به دست بستگان نزدیک، معمولاً پدر یا ناپدری و پیش از بی‌خانمان شدن رخ داده است. حتی برای اقلیت‌هایی که پس از بی‌خانمان شدن مورد آزار قرار گرفته بودند، متجاوز معمولاً غریبه نبوده و آن مکان لزوماً مکانی عمومی نبوده است. برخی از آنها که هنگام زندگی در خانه توسط پدر یا ناپدری مورد آزار قرار گرفته بودند، بعداً توسط همسر، شریک قانونی یا دوست‌پسر خود مورد آزار قرار گرفتند.

- در تحقیق سوزان و همکاران^۲ (۲۰۰۰)، با عنوان «پیشینه قربانی شدن جسمی و جنسی در زنان بی‌خانمان: مقایسه‌ای با مردان بی‌خانمان»، با روش کمی وضعیت قربانی شدن جسمی و جنسی زنان بی‌خانمان در ۳۰ روز گذشته و در یک نمونه احتمالی ۳۹۴ نفری بررسی و یافته‌های آن با وضعیت ۱۱۵۹ مرد بی‌خانمان مقایسه شد. همان‌گونه که فرضیه اختلال روانی، وابستگی به مواد و درگیر شدن در راهبردهای بقای اقتصادی، قربانی شدن زنان بی‌خانمان را به میزان قابل توجهی پیش‌بینی کرده است، باوجود اختلافات اندک، این خصوصیات همچنین قربانی شدن مردان بی‌خانمان را پیش‌بینی می‌کرد. اگرچه تفاوت در نیازها و تجربیات زنان و مردان بی‌خانمان باید به رسمیت شناخته شود، زنان و مردان نیز برای حضور در اقامتگاه‌های امن، درمان هرگونه سوء‌مصرف مواد، اختلال روانی و جایگزین‌هایی برای راهکارهای بقاء اقتصادی، نیاز به کمک دارند.

1. Breton& Bunston
2. Suzanne et all

- در تحقیق لیندا و همکاران^۱ (۲۰۰۴) با عنوان «شیوع و پیش‌بینی کننده‌های خطرهای جنسی در بین جوانان بی‌خانمان»، شیوع خطرات جنسی در نوجوانان بی‌خانمان مورد بررسی قرار گرفت و عوامل مرتبط با آن خطرات توصیف شد. نمونه شامل ۲۰۳ جوان بی‌خانمان در سنین ۱۵ تا ۲۲ بود. سؤالات پرسشنامه شامل مشخصات دموگرافیک، رفتارهای جنسی، مصرف الکل/مواد مخدر، سابقه آزمایش و سابقه بارداری بود. در آنالیز مقطعی، ۵۸٫۷ درصد از مردان و ۷۵٫۶ درصد از خانم‌ها مقاربت جنسی را در ایام اخیر گزارش کرده‌اند. از این تعداد، یک‌سوم مردان و نیمی از زنان از هیچ روش محافظت‌کننده یا حداقل یک شریک زندگی استفاده نکرده بودند. هم جنسیت (زن) و هم‌نژاد / قومیت (غیر سیاه) با داشتن مقاربت بدون روش پیشگیری از بارداری، مرتبط بودند. بیش از یک پنجم افراد، تاریخچه «رابطه جنسی برای بقا» یا دریافت پول، مواد مخدر، لباس، سرپناه یا غذا برای رابطه جنسی را گزارش دادند. این نتایج حاکی از هشدارهای زیاد در مورد تعدادی از خطرات جنسی است که نیاز به مداخلات هدفمند با این جمعیت بسیار آسیب‌پذیر را تقویت می‌کند

- در تحقیق تایلر و همکاران^۲ (۲۰۰۱)، با عنوان «تأثیرات یک محیط پرخطر بر قربانی شدن جنسی جوانان بی‌خانمان و فراری»، با استفاده از روش کمی به بررسی موضوع در یک نمونه ۳۱۱ نفری پرداخته شد. نتایج حاصل از رگرسیون لجستیک نشان داد که رابطه جنسی برای بقا، جنسیت و ظاهر فیزیکی با قربانی شدن جنسی ارتباط معنی‌داری دارد. نتایج حاصله همچنین نشان داد که اثرات رفتار انحرافی بر روی قربانی جنسی برحسب جنسیت و سن نیز متفاوت است. اگرچه مردان و زنان در فعالیت‌های مشابهی درگیر بودند، با این وجود، زنان جوان به احتمال بیشتری قربانیان خشونت جنسی بودند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که درگیر شدن در رفتارهای پرخطر، برخی از افراد را

1. Linda et al
2. Tyler & et all

در معرض خطرات بیشتری قرار می‌دهد، اما این ترکیب رفتارهایی با جنسیت و یا سن است که تعیین می‌کند چه کسی قربانی خواهد شد.

- در مطالعه گودمن و همکاران (۲۰۰۶)، با عنوان «هیچ مکان امنی نیست: آزار جنسی در زندگی زنان بی‌خانمان»، که با روش اسنادی انجام پذیرفت، یافته‌های کلیدی پژوهش نشان می‌دهد که زنان بی‌خانمان، قبل، در طول و بعد از بی‌خانمانی تجربه آزار جنسی را گزارش کرده‌اند. همچنین بر طبق یافته‌های به‌دست‌آمده در این تحقیق، چندین عامل خطر قربانی جنسی شدن در بزرگسالی را در میان زنان بی‌خانمان افزایش می‌دهد. این عوامل عبارت‌اند از: سوءاستفاده در دوران کودکی، وابستگی به مواد، طول و دوام بی‌خانمانی، درگیری در استراتژی بقای اقتصادی، بیماری‌های ذهنی - روانی و محدودیت‌های جسمانی. زنان بی‌خانمانی که قربانی آزارهای جنسی شده‌اند، اغلب دسترسی محدودی به خدمات بهداشت روان، پزشکی و قانونی دارند. زنان بی‌خانمان رنگین‌پوست، همجنسگرایان زن، همجنسگرایان مرد، دوجنسگراها و زنان دارای اختلال هویت جنسی و زنان دارای معلولیت، از جهت دسترسی به خدمات یادشده دارای محدودیت‌های بیشتری هستند.

- در تحقیق جسیکا و شریل^۱ (۲۰۱۵)، با عنوان «رفتارهای جنسی، آزارهای جنسی و قربانی شدن جنسی در بین جوانان بی‌خانمان: مرور سیستماتیک انجمن‌های مربوط به مصرف مواد»، به بررسی مطالعات منتشر شده‌ای پرداخته شد که در مورد استفاده از مواد و در ارتباط با ارتکاب جرائم جنسی، درگیری در رفتارهای جنسی پرخطر و یا تجربه قربانی شدن جنسی در بین جوانان بی‌خانمان انجام شده بود. در این مطالعه یک جستجوی سیستماتیک از ۱۲ بانک اطلاعات الکترونیکی در حوزه‌های روانشناسی، سلامت و علوم اجتماعی صورت گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد جوانانی که بی‌خانمانی را تجربه می‌کنند، درگیر و قربانی انواع مختلف رفتارهای جنسی می‌شوند.

این بررسی سیستماتیک نشان می‌دهد که مصرف مواد معمولاً با رفتارهای جنسی یا قربانی شدن جنسی همراه است. این امکان نیز وجود دارد که مصرف مواد توسط جوانان بی‌خانمان به‌عنوان ابزاری برای سازگار شدن با رفتارهای جنسی و قربانی شدن استفاده شود.

جمع‌بندی و نقد تحقیقات پیشین

بررسی پیشینه تحقیق بیانگر آن است که در تحقیقات پیشین داخلی باوجود انجام تحقیقات متعدد در مورد خشونت جنسی علیه زنان در معنای عام و کلی آن، اما در تحقیقات اندکی به زنان بی‌خانمان و موضوع خشونت جنسی در آنها اشاره شده است. در واقع هیچ‌گونه تحقیقی تا به حال به موضوع خشونت جنسی در زنان بی‌خانمان و بررسی ریشه‌ها و پیامدهای آن در ایران به صورت واحد پرداخته است و صرفاً در برخی از تحقیقات داخلی به‌عنوان بخش کوچکی از یافته‌های پژوهش، به چنین تجربه‌ای اشاره شده است. انجام تحقیق حاضر از سوی محققان گامی در راستای پر کردن شکاف موضوعی در زمینه خشونت جنسی در زنان بی‌خانمان و مدخلی برای حساس سازی محققان مختلف به منظور انجام تحقیقات مرتبط و مکمل است.

در ارتباط با تحقیقات پیشین خارجی، می‌توان گفت که در این تحقیقات به شکل ملموس‌تر و جامع‌تری به موضوع خشونت جنسی در زنان بی‌خانمان اشاره شده است. اگرچه بخش عمده‌ای از این تحقیقات با رویکرد کمی انجام پذیرفته و کمتر نگاه درون فهمانه به موضوع را داشته‌اند و در واقع از نقاط ضعف این تحقیقات به شمار می‌رود. نگاه مبتنی بر رویکرد کیفی و فهم موضوع از نگاه ذینفعان درگیر در مسئله و جامع‌نگری در شناخت ابعاد مهم موضوع، از نقاط کاربردی و قوت تحقیق حاضر است که به‌گونه‌ای آن را از تحقیقات داخلی و خارجی متمایز می‌کند.

مبانی نظری تحقیق

مبانی نظری تحقیق حاضر آمیخته‌ای از تئوری‌های جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی است. تئوری‌هایی که هرکدام با توجه به رویکرد و نگاهی که نسبت به موضوع خشونت جنسی دارند، بر ابعاد مختلف آن، اعم از علت‌ها و پیامدها تأکید دارند. در ادامه به برخی از این تئوری‌ها پرداخته می‌شود.

فشار اجتماعی

مرتون مهم‌ترین نظریه‌پرداز رویکرد فشار اجتماعی است که این مفهوم را در سطح کلان مطرح کرد. به نظر وی کجرفتاری حاصل فشارهای ساختاری - اجتماعی خاصی است که افراد را به کجرفتاری وامی‌دارد (ادهمی و همکاران، ۱۳۹۰). نظریه عمومی فشار که بر جنبه‌های روانشناسی اجتماعی و سطح خرد فشار تأکید دارد، معتقد است که مجرمیت نتیجه مستقیم شرایط اثرگذار منفی مانند عصبانیت، محرومیت و هیجانات منفی است (Burfeind & Bartusch, 2006: 496؛ به نقل از پروین و همکاران: ۱۳۹۳).

حمایت اجتماعی

هاوس^۱ و همکارانش معتقدند که حمایت اجتماعی به سه طریق در برخورد با تنش به فرد کمک می‌کند؛ اولاً اعضای خانواده و سایر افراد می‌توانند مستقیماً حمایت ملموس به شکل منابع مادی در اختیار شخص قرار دهند. ثانیاً، اعضای شبکه اجتماعی فرد می‌توانند با پیشنهاد اقدامات متنوعی، او را از حمایت اطلاعاتی خود برخوردار سازد و این اقدامات متنوع می‌تواند به حل مشکلی که موجب تنش شده، کمک کند و ثالثاً، افراد شبکه اجتماعی می‌توانند با اطمینان‌بخشی دوباره به فرد در خصوص اینکه او شخصی مورد علاقه، با ارزش و محترم است از وی حمایت عاطفی به عمل آورند دیماتو^۲، (۵۹:۱۳۷۸).

بی‌سازمانی اجتماعی

مطابق با تئوری بی‌سازمانی اجتماعی، رفتار انسان را می‌توان برحسب محیط شهری او تبیین کرد. به‌زعم پارک، مهاجرت و تحرکات جمعیت، نظم اجتماعی را به هم می‌زند. زوال پیوندهای محلی و توانایی ضعیف گروه‌های اولیه مانند خانواده و محله برای اعمال مکانیسم‌های غیررسمی کنترل اجتماعی در محیط شهری، از عوامل مستقیم جرم، بزهکاری جوانان و فساد هستند (Caves, 2005: 504؛ به نقل از پروین و دیگران، ۱۳۹۳).

همنشینی افتراقی

بر طبق دیدگاه ساترلند^۱ همنشینی افتراقی بر این پیش‌فرض بنا شده است که رفتار انحرافی موروثی و ذاتی نیست و به همان روشی یاد گرفته می‌شود که هر رفتار دیگری آموخته می‌شود (احمدی، ۱۳۹۲: ۹۵). فزونی برخورد و ارتباط با تعاریف اجتماعی و یا پیام‌های تأییدکننده رفتار انحرافی، باعث انحراف می‌شود.

نظریه فمینیستی

ایده اصلی این نظریه این است که فرایندهای اجتماعی و اقتصادی، مستقیم و غیرمستقیم در جهت حمایت از نوعی نظم اجتماعی خاص و ساختار اجتماعی پدرسالار حرکت می‌کنند. پدرسالار باعث می‌شود که زن‌ها پایین‌تر قرار بگیرند و الگوی تاریخی خشونت سیستمی علیه زنان شکل بگیرد (محمدی و میرزائی، ۱۳۹۱). صاحب‌نظران این دیدگاه معتقدند که دلیل اصلی خشونت، وجود ساختارهای اقتداری پدرسالارانه در جامعه است. در نظم اجتماعی پدرسالارانه مردان از طریق سلطه بر زنان و انحصار نهادهای اجتماعی، موقعیت برتری نسبت به زنان پیدا کرده‌اند و فرمان‌برداری زنان از طریق مردان و نهادهای مسلط مردانه نهادینه شده است. فمینیست‌های رادیکال معتقدند که خشونت علیه زنان به هر شکل، محصول فرهنگ مردسالار است که در آن

1. Saterland

مردان هم بر نهادهای اجتماعی و هم بر جسم زنان کنترل دارند و [زنان] اختیارشان برای رسیدن به اهدافشان ناکافی است (اندرسون و بوشمن، ۲۰۰۲؛ به نقل از حسن پور ازغدی و همکاران، ۱۳۸۸).

نظریه هویت جنسی

میشل فوکو معتقد است که در جوامع غربی افراد هویت خودشان را با هویت جنسی‌شان یکی می‌دانند و خودشان را موجوداتی جنسی به شمار می‌آورند. آن‌ها این مفهوم خود جنسی را به سراسر زندگی اخلاقی و سنتی‌شان پیوند می‌دهند. بدین معنا که هر فردی برای آن‌که بداند چگونه باید رفتار کند و جامعه از او چه انتظاری دارد، نخست الگویی را در نظر می‌آورد که موجودی از جنس او باید مطابق آن رفتار کند (توکلی، ۱۳۸۲: ۸۰). از نظر مایکل کمیل، نیز مردانگی مجموعه‌ای از مفاهیمی است که در فرآیند رابطه ما با خودمان، با دیگران و با دنیایمان ساخته می‌شود. مردانگی شکل‌گیری اجتماعی دارد و از ساختمان زیست‌شناختی ما نمی‌جوشد بلکه ساخته فرهنگ است (همان).

شخصیت بزه دیده

بر اساس این دیدگاه، از آنجاکه رابطه جنسی در وهله اول در دسته "امیال" انسان جای می‌گیرد نه در طبقه‌بندی جرائم، از این‌رو در اکثر موارد تمایل جنسی قربانی جرم، حداقل قبل از بروز خشونت، انگیزه کافی در مجرم ایجاد می‌نماید. در مواردی که رابطه، به لحاظ وجدانی از مشروعیت خاصی برخوردار نیست، بزه‌دیده به شدت آزرده‌خاطر شده یا از عواقب بعدی رابطه می‌هراسد. نتیجه این امر، تن دادن به استمرار رابطه یا تلاش برای ترمیم آثار خشونت جنسی است که خود در کنش‌ها و واکنش‌های بعدی وی به شدت مؤثر خواهد بود (بارنت و همکاران، ۱۹۹۲).

صرف‌نظر از حالت انفعالی بزه‌دیده، شخصیت بزه‌پذیر افرادی که در معرض جرائم جنسی قرار می‌گیرند، اغلب تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌های غیرمجاز و هرزه‌نگار،

مانکن‌ها، رقاصان و روسپیانی است که به‌ظاهر از رابطه نامشروع و بی‌حدومرز خویش لذت می‌برند. آمادگی بزه‌دیده برای خشونت‌پذیری، ممکن است از استیصال و درماندگی اقتصادی باشد. در این حالت بزه‌دیده، تدریجاً به خود تلقین می‌نماید که برای گذراندن زندگی چاره‌ای جز روبه‌رو شدن با افرادی که هرکدام با روش خاص به دنبال ارضای جنسی خویش هستند، نمی‌ماند و همین امر، تقریباً در تمام موارد خشونت جنسی بزه‌پذیران را به دنبال دارد (لیدرمن و همکاران، ۲۰۰۰).

سبک زندگی

نظریه سبک زندگی نیز از نظریه‌هایی است که بر این ایده تأکید می‌کند که بعضی از سبک‌های زندگی، خطر قربانی شدن را افزایش می‌دهند؛ بر اساس این نظریه احتمال رخداد جرم بیشتر وابسته به نوع فعالیت‌های قربانی است تا مجرم (صادقی فسائی و همکاران، ۱۳۹۳). این تئوری، یکی از تئوری‌های کلیدی در تحلیل علل و زمینه‌های خشونت جنسی زنان بی‌خانمان و آسیب‌پذیری آنها در برابر انواع تهدیدات محیطی به شمار می‌رود.

فعالیت‌های روزانه

بر اساس نظریه فعالیت‌های روزانه، افرادی که ما با آنها کنش متقابل داریم، مکانی که در آن عبور و مرور می‌کنیم و فعالیت‌هایی که درگیر آن هستیم، در احتمال و توزیع رفتارهای مجرمانه تأثیر می‌گذارد (برانیک، ۲۰۱۴؛ به نقل از غلیوردی نیا و علیمردانی، ۱۳۹۶). این تئوری همانند تئوری پیشین با تأکیدی که بر سبک زندگی و فعالیت‌های روزانه افراد دارد، از تئوری‌های کلیدی در تحلیل پیدایش خشونت جنسی و استمرار آن محسوب می‌شود.

چارچوب مفهومی تحقیق

چارچوب مفهومی تحقیق حاضر، ترکیبی از تئوری‌های فشار اجتماعی، بی‌سازمانی اجتماعی، حمایت اجتماعی، همنشینی افتراقی، سبک زندگی، فعالیت‌های روزانه و تئوری فمینیستی است. تئوری‌هایی که افزون بر افزایش حساسیت نظری، پس از استخراج یافته‌های پژوهش نیز در تحلیل یافته‌ها کمک‌کننده هستند. با استنباط از تئوری فشار، علت بروز برخی از آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی نظیر تن‌فروشی در زنان بی‌خانمان و یا خشونت جنسی، موانعی است که ساخت اجتماعی در مسیر افراد قرار می‌دهد و آنها را از رسیدن به اهداف اجتماعی‌شان بازمی‌دارد. تئوری فشار و دیدگاه آگنیو با تأکیدی که بر سطوح کلان و خرد دارند، می‌توانند در تحلیل زمینه‌های خشونت جنسی و حتی پیامدها و آسیب‌های پس‌از آن نیز کمک‌کننده باشند. تئوری بی‌سازمانی اجتماعی نگاهش بر شکل‌گیری جرائم و انحرافات اجتماعی در محلات آسیب‌پذیر شهری است. محلاتی که محل اسکان بخش قابل‌توجهی از گروه هدف پژوهش حاضر است. بنابراین می‌توان آن را از تئوری‌های کاربردی به شمار آورد که در تحلیل خشونت جنسی در زنان بی‌خانمان کاربرد دارد. حمایت اجتماعی در ابعاد مختلف آن، از جمله حمایت‌های ابزاری (مادی)، اطلاعاتی (یا مشاوره‌ای) و عاطفی، از دیگر مفاهیمی است که مورد تأکید تئوری حمایت اجتماعی است و فقدان آن در بروز خشونت جنسی و پیامدهای متعدد دیگر اثرگذار است. تئوری ساترلند در تحلیل و پیدایش مسئله خشونت جنسی، با این دانش که بیشترین ارتباط زنان بی‌خانمان قربانی خشونت جنسی نیز با هم‌تایان آسیب‌دیده (از خشونت جنسی و دیگر آسیب‌ها) و عواملان خشونت جنسی (قماربازان، بی‌خانمان‌ها و مصرف‌کننده‌ها) است، می‌تواند کمک‌کننده باشد. بر طبق تئوری سبک زندگی و فعالیت‌های روزانه، نوع فعالیت‌های قربانی، افرادی که با آنها در کنش متقابل است، مکانی که در آن عبور و مرور می‌کند و فعالیت‌هایی که درگیر آن هست، در احتمال و توزیع رفتارهای مجرمانه تأثیر می‌گذارد.

شرایطی که تجربه زیسته زنان بی‌خانمان مصداقی واقعی از آن است. در نهایت مطابق با تئوری‌های فمینیستی، سلطه ساختارهای مردسالار و موقعیت فراتری که مردان (در معنای عام آن) نسبت به زنان در جامعه و موقعیت‌های اجتماعی-اقتصادی دارند، می‌تواند در قربانی شدن جنسی زنان بی‌خانمان مؤثر باشد.

سؤالات پژوهش

- فهم و دریافت زنان بی‌خانمان از خشونت جنسی چیست؟
- دلایل خشونت جنسی در زنان بی‌خانمان چیست؟
- خشونت جنسی در چه زمینه یا بستری شکل می‌گیرد؟
- عوامل مداخله‌گر خشونت جنسی در زنان بی‌خانمان کدام‌اند؟
- استراتژی‌های زنان بی‌خانمان در مواجهه با خشونت جنسی کدام‌اند؟
- به‌کارگیری چنین استراتژی‌هایی، چه پیامدهایی برای زنان بی‌خانمان دارد؟

روش‌شناسی تحقیق

روش پژوهش حاضر کیفی و از نوع گراندد تئوری است. مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر تمام زنان بی‌خانمان قربانی خشونت جنسی در محلات دروازه شمیران، شوش و هرندی (دروازه غار سابق) هستند. تمام افراد مشارکت‌کننده در دو ملاک خاص مشترک‌اند و آن تجربه بی‌خانمانی و خشونت جنسی است. روش نمونه‌گیری تحقیق حاضر، نمونه‌گیری نظری و هدفمند است. بنابراین در ابتدا نمونه‌گیری در دسترس انجام شد و در ادامه با هدف ایجاد حداکثر تفاوت در مفاهیم یادشده و شکل‌گیری نظریه، نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند پیش رفت. در پژوهش حاضر جهت تعیین حجم نمونه، مصاحبه‌ها و جمع‌آوری داده‌ها تا زمانی ادامه پیدا کرد که مصاحبه‌های جدید به تولید داده‌های جدیدی برای ما منجر نشده و صحبت‌های مصاحبه‌شونده‌ها به‌گونه‌ای

تکرار داده‌های قبلی بود. در این راستا، با ۱۹ نفر از زنان بی‌خانمان قربانی خشونت جنسی مصاحبه انجام شد. به منظور تجزیه و تحلیل یافته‌ها از فرایند کدگذاری نظری در سه مرحله کدگذاری باز (استخراج مفاهیم اولیه)، محوری (استخراج مقولات عمده) و انتخابی (انتخاب مقوله هسته) استفاده شد. ارجاع نتایج به تعدادی از شرکت‌کنندگان و ارائه نقل قول‌ها از مهم‌ترین روش‌ها جهت باورپذیری یافته‌های پژوهش حاضر می‌باشد. در ارتباط با پایایی تحقیق، اطلاعات به دست آمده، به صورت مداوم مورد بررسی قرار گرفت و همچنین فرایند کدگذاری و مقولات به دست آمده در اختیار چند متخصص قرار داده شد و مورد تأیید قرار گرفت. کیفیت علمی محتوای پژوهش، رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان و رازداری و حفظ شأن و حقوق آنها از مهم‌ترین فاکتورهای مرتبط با ملاحظات اخلاقی در پژوهش حاضر است.

یافته‌های پژوهش

در این بخش، ابتدا ویژگی‌های جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش ارائه می‌شود. در بخش دوم، فهم زنان بی‌خانمان از خشونت جنسی توصیف و تحلیل می‌شود. در نهایت، یافته‌های حاصل از انجام مصاحبه‌های عمیق با زنان بی‌خانمان قربانی خشونت جنسی در قالب فرایندی که شش رکن اصلی دارد، ارائه شده است. شرایط علی یا سبب‌ساز، شرایط زمینه‌ای، شرایط دخیل یا مداخله‌گر، راهبردهای عمل/تعامل، پیامدها و در نهایت مقوله محوری، ارکان اصلی پژوهش این بخش را تشکیل می‌دهند.

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان

شماره شرکت‌کننده	سن (سال)	تحصیلات	محل کارتن خوابی	مدت کارتن خوابی (سال)	وضعیت زناشویی	ارتباط با خانواده
۱	۴۲	خواندن-نوشتن	شوش	۱۰	متارکه	ندارد
۲	۳۱	دیپلم	هرندی	۵	مطلقه	دارد
۳	۳۳	راهنمایی	فرحزاد	۷	مجرد	ندارد
۴	۴۷	خواندن-نوشتن	پامنار	۱۲	مطلقه	ندارد
۵	۲۱	ابتدایی	راه‌آهن	۱	مجرد	ندارد
۶	۲۹	خواندن نوشتن	سبزه میدان	۵	متارکه	ندارد
۷	۲۶	دبیرستان	ترمینال جنوب	۳	متارکه	ندارد
۸	۴۱	خواندن-نوشتن	پامنار	۶	مطلقه	ندارد
۹	۵۱	خواندن-نوشتن	هرندی	۱۳	متارکه	دارد
۱۰	۳۶	دیپلم	شوش	۷	مطلقه	ندارد
۱۱	۳۳	ابتدایی	پامنار	۲	مجرد	ندارد
۱۲	۲۹	دیپلم	امام حسین	۱	متارکه	دارد
۱۳	۲۵	دبیرستان	شوش	۳	مجرد	دارد
۱۴	۱۹	کاردانی حسابداری	هرندی	۲	مجرد	دارد
۱۵	۲۱	دیپلم	شوش	۱	مجرد	دارد
۱۶	۴۴	ابتدایی	امام حسین	۴	مطلقه	ندارد
۱۷	۳۷	راهنمایی	راه‌آهن	۶	متارکه	ندارد
۱۸	۵۶	بی سواد	سرچشمه	۱۷	متارکه	ندارد
۱۹	۳۲	دیپلم	مولوی	۱	مطلقه	ندارد

جدول ۲- مصادیق و نوع خشونت جنسی از نگاه زنان بی‌خانمان

مفهومها و کدها	مقوله‌ها
کنایه‌های جنسی در گفتار افراد جامعه - متلک‌های جنسی - ارائه پیشنهادهاى جنسی - شوخی‌ها و طنزهای جنسی - توصیف شخص با کنایه‌های جنسی - فحش‌های جنسی	کلامی
نگاه‌های هوس آلود و آزاردهنده - چشم‌چرانی - نمایش آلت جنسی - خیره شدن	غیرکلامی
چسبیدن - لمس کردن اعضای بدن - نوازش کردن - بوسیدن - بغل کردن - ایجاد روابط جنسی به زور - تجاوز جنسی گروهی - اجبار به انجام روابط جنسی نامتعارف	جسمانی

انواع خشونت جنسی و مصادیق آن

انواع خشونت جنسی در زنان بی‌خانمان را می‌توان در سه بُعد خشونت جنسی کلامی، غیرکلامی و جسمانی دسته‌بندی نمود. مقوله‌هایی که دربرگیرنده مصادیق مختلفی از قربانی شدن زنان در فضاها و شرایط مختلف است.

- خشونت کلامی

در این نوع از خشونت، عاملان خشونت با گفتارهای جنسی خود زمینه‌های آزار قربانیان را موجب می‌شوند. در واقع شامل تمام آزارهایی است که بر اثر کلام یا کنایه‌های کلامی بر زنان وارد شود. گفتارهای جنسی آزاررسان را می‌توان در قالب مفاهیمی همچون متلک‌های جنسی، پیشنهادهای جنسی، شوخی‌ها و طنزهای جنسی و نظایر آن برشمرد. بررسی تجربیات شرکت‌کنندگان در پژوهش بیانگر خشونت‌های متعدد کلامی در موقعیت‌ها و فضاهای گوناگون است. از بررسی مصاحبه‌های پژوهش می‌توان گفت، این نوع از خشونت در میان زنان بی‌خانمان، شایع‌ترین نوع خشونت به شمار می‌رود.

«هر وقت از این مسیر میام و میرم بدون استثناء بهم تیکه میندازن، چون کوجه‌های تنگ و باریکم هست از کنار هم با فاصله خیلی کم رد میشیم هزارتا چرت‌وپرت بارت میکنن، خیلی حرفای زشت و رکیک میزنن، بعضی وقتا جوابشونو میدم ولی خیلی وقتا می‌ترسم و فرار می‌کنم» (شرکت‌کننده شماره ۶).

- خشونت غیرکلامی

در این نوع از خشونت، اگرچه افراد با کلام یا گفتار خود به‌طور مستقیم قربانیان را آزار نمی‌دهند، بلکه با نگاه‌های هوس آلود، نشان یا نمایش دادن آلت تناسلی و خیره شدن به زنان، زمینه‌های آزار غیرکلامی زنان بی‌خانمان را فراهم می‌کنند. برخی از نقل‌قول‌ها به شرح ذیل است:

«بارها برام پیش اومده که مردا با نگاه کردن و خیره شدنشون میخان چشاتو از حلقه در بیارن، انقد نگاه میکنن که از رو هم نمیرن، آدم وحشت میکنه که میخاد چیکار کنه» (شرکت‌کننده شماره ۱۰).

- خشونت جسمانی

خشونت جسمانی، عمدتاً شامل رفتارهای خشونت‌آمیزی است که در آن، عاملان خشونت، به‌انحاء مختلف به آزار فیزیکی قربانیان خود اقدام می‌کنند. زنان بی‌خانمان با توجه به سبک زندگی روزمره‌شان و ارتباط با عاملان بالقوه خشونت از آسیب‌پذیرترین گروه‌ها در برابر خشونت جسمانی هستند. روابط جنسی گروهی، بغل کردن، بوسیدن و ایجاد روابط جنسی به‌زور برخی از مفاهیم مورد تأکید توسط مشارکت‌کنندگان پژوهش است.

«یه بار داشتم از تو کوچه بن بست رد می‌شدم بیهو دیدم یه مرده از پشت بغلم کرد و بهم چسبید، چنان جیغ کشیدم عوضی ترسید و رفت، ولی هر وقت یادم میفته موای بدنم سیخ میشه، قیافه خیلی چندش و ترسناکی هم داشت» (شرکت‌کننده شماره ۳).

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت، تمام شرکت‌کنندگان در پژوهش تجربه خشونت جنسی را گزارش داده‌اند. در واقع، خشونت جنسی در تمام اشکال آن، بخشی از تجربه زیست شده زنان بی‌خانمان حاضر در پژوهش است. همچنین آنها واکنش شدیدتر و احساس نگرانی بیشتری نسبت به خشونت جنسی از خود بروز می‌دهند. درحالی‌که زنان بی‌خانمان دارای تخریب بالا به میزان کمتری از خشونت جنسی هراس دارند. علاوه بر این، بر طبق مصاحبه‌ها، زنان جوان بیش از دیگران مورد خشونت جنسی قرار گرفته‌اند.

شرایط علی یا سبب‌ساز: معمولاً آن دسته از رویدادها یا وقایع‌اند که بر پدیده‌ها اثر می‌گذارند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۱۵۳). در تحقیق حاضر شرایط علی به مجموعه‌ای از علل و عوامل ایجادکننده خشونت جنسی در زنان بی‌خانمان اطلاق می‌شود.

جدول ۳- شرایط علی

مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
	اعتیاد و رفتارهای اعتیادی	زمینه‌های فردی
	شرکای جنسی آسیب‌رسان	
	اختلالات روانی - ذهنی	
	رهایندگی، عاملان بالقوه، بلامکانی	زمینه‌های محیطی
	عدم نظارت مردمی، نبود کنترل انتظامی، آشفتگی فیزیکی و نقاط متعدد کور، خرده‌فرهنگ‌های متفاوت، ناهمگنی اجتماعی، ضعف وجدان جمعی، بی‌ثباتی و ناپایداری جمعیت، ازدحام و تردد جمعیت‌های مختلف	
	معاشرت با هم‌تایان آسیب‌دیده	زمینه‌های اجتماعی
	فقدان مهارت در تعاملات اجتماعی	
	وابستگی اقتصادی - نیاز مالی	زمینه‌های اقتصادی
	فقدان سرپناه	
	فقدان منبع درآمد، فقدان فرصت برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی	

- زمینه‌های فردی

منظور از زمینه‌های فردی، زمینه‌هایی است که نقش افراد در شکل‌گیری آن به‌مراتب بیش از دیگر مؤلفه‌هاست. اعتیاد و رفتارهای اعتیادی، شرکای جنسی آسیب‌رسان، فقدان مهارت در تعاملات اجتماعی و معاشرت با هم‌تایان آسیب‌دیده مهم‌ترین زمینه‌های فردی استخراج شده از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان در پژوهش است. اعتیاد و رفتارهای اعتیادی مهم‌ترین مفهومی است که از دیدگاه اکثریت زنان بی‌خانمان، آنان را در معرض قربانی شدن قرار می‌دهد. در واقع اعتیاد و مصرف مواد باعث آن می‌شود که زنان نه‌تنها کنترل یا مدیریتی بر رفتارهای خود نداشته باشند، بلکه امکان سوءاستفاده و قربانی شدنشان افزایش یابد. در چنین مواقعی زنان به شکل راحت‌تری به خشونت‌ها تن می‌دهند.

«وقتی مواد مصرف می‌کنی بر رفتارها تسلط نداری، نمی‌دونی داری چکار می‌کنی، گاهی وقت‌ها حتی نمی‌دونی کجا هستی و ... همین چیزها باعث میشه دیگران ازت سوءاستفاده کنن، اذیت کنن، متلک بندازن، و حتی کتکت بزنن»
(شرکت‌کننده شماره ۱۵).

گاهی اوقات، شرکای جنسی زنان بی‌خانمان، مردانی هستند که آنان را مجبور به پذیرش روابط جنسی متعدد با افراد مختلف می‌کنند. روابط نایمن و محافظت نشده متعدد و در مواردی گروهی با افرادی که از سلامت جسمی و جنسی آنان هیچ اطلاعی در دست نیست. اشکالی از رابطه جنسی که عمدتاً با خشونت و احتمال انتقال بیماری‌های مقاربتی همراه است.

«رابطه‌هایی که با ما برقرار میشه معمولاً همراه با خشونت. خیلی اوقات روابط نامعمول رو تجربه می‌کنیم. طرف کارشو انجام میده میره، به بدترین نحوش. معمولاً بده بستنهای عاطفی توی اینجور روابط معنایی نداره» (شرکت‌کننده شماره ۳).

اختلالات روانی و مشکلات ذهنی، مضمون فرعی دیگری است که برخی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش بر آن تأکید می‌کنند. از تحلیل مصاحبه‌ها می‌توان استنباط

کرد که، بسیاری از شرکای جنسی که عامل خشونت جنسی بوده‌اند، رگه‌هایی از ویژگی‌های ضداجتماعی را دارا هستند. مجبور کردن زنان جهت تن دادن به روابط جنسی گروهی، کتک زدن زنان پس از برقراری روابط جنسی و محبوس کردن زنان جهت استمرار رابطه جنسی، برخی از ویژگی‌های ضداجتماعی در عاملان خشونت جنسی است.

«تاکنون بارها برامون پیش آمده که مردها ما رو توی خونشون چندین ساعت و یا حتی چندین روز زندانی کردن و مدام باهامون رابطه برقرار کردن. خیلی هاشونم قبل و بعد از رابطه کتک می‌زنن» (شرکت‌کننده شماره ۳).

مشکلات ذهنی از مضامینی است که برخی از مصاحبه‌شوندگان بر آن تأکید داشتند. آن‌ها معتقدند که در میان قربانیان خشونت جنسی افرادی وجود دارند که دچار مشکلات ذهنی هستند و به‌راحتی و به‌دفعات توسط مردان مورد خشونت جنسی قرار می‌گیرند.

- زمینه‌های محیطی

شیوه زندگی روزمره و حیطه‌های فضایی دو مقوله فردی مرتبط با زمینه‌های محیطی است. اکثریت مصاحبه‌شوندگان، فعالیت‌های روزمره و سبک زندگی روزمره خود را به‌عنوان عاملی مطرح می‌کنند که خطر قربانی شدن آنها را به‌مراتب از دیگر زنانی که چنین شرایطی را ندارند، افزایش می‌دهد. بلامکانی، حضور در مکان‌های خلوت، فضاهای بی‌دفاع شهری، پاتوق‌های تجمع مصرف‌کنندگان، ساقیان و خرده‌فروشان مواد، ارتباط با افراد ناآشنا و عاملان بالقوه خشونت، فقدان درآمد و فقدان حامی همراه بوده و آنان را در معرض قربانی شدن قرار می‌دهد.

«شیوه زندگی ما به‌گونه‌ای است که احتمال هر جور سوءاستفاده‌ای را فراهم می‌کند. ما جا و مکان خاصی برای زندگی نداریم، عمدتاً در پارک‌ها می‌خوابیم. قطعاً اگر جای خواب بخصوصی داشتیم، اگر سرپناه و خانواده‌ای داشتیم هیچ‌وقت این بلاها سرمون نمی‌اومد» (شرکت‌کننده شماره ۱).

از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها این گونه استنباط می‌شود که اکثریت آنها حیطه‌های فضایی را عامل مؤثری در قربانی شدن خود می‌دانند. در واقع همزمانی یا هم رویدادی انسان (عاملان رفتارهای مجرمانه و قربانیان در دسترس)، مکان (بستر یا فضاهای مکانی فرصت‌ساز جرم) و زمان (چنین فضاهایی به‌ویژه در شب‌ها محل تجمع مردان کارتن‌خواب، قماربازان، سارقان، ولگردها و مجرمین است)، نیز سه عنصر اصلی شکل‌گیری جرائم جنسی در چنین شرایطی هستند.

«من هر باری که شباً از کوچه پس‌کوچه‌های اینجا رد میشم درگیری برام پیش میاد، یه بار که داشتم از سرکارم برمی‌گشتم و ساعتی یازده دوازده شب بود یهو تو این بن بست یه مرده کمین کرده بود تا رسیدم به تاریکی اونجا از پشت بهم هجوم آورد و دو دستی منو گرفت و اذیتم کرد، هر چه قدم که جیغ زدم فایده نداشت ... این اتفاق برا دوستانم خیلی میفته» (شرکت‌کننده شماره ۱۲).

- زمینه‌های اجتماعی

برخی از مصاحبه‌شوندگان پژوهش معتقدند که مهارت‌های لازم جهت حضور مؤثر در تعاملات و مناسبات اجتماعی را فرانگرفته‌اند و نتوانسته‌اند در برخورد با تقاضاهای جنسی مردان، رفتار مناسبی را از خود بروز دهند و مانع از قربانی شدن خود در برخی شرایط شوند.

«من خیلی ساده و راحت فریب حرفای مردا رو می‌خورم و متأسفانه گول بازیای ماهرانسونو می‌خورم. بارها شده که دیگه با خودم گفتم دفعه بعد نمی‌زارم این اتفاق یا بلا سرم بیاد ولی بازم تکرار شده و خیلی راحت خام شدم و دوباره درگیر یه رابطه خشن و پر از حقارت شدم که تهش کتک و گریه و زاری نصیبم شده» (شرکت‌کننده شماره ۱).

از منظر مشارکت‌کنندگان در پژوهش، معاشرت با هم‌تایان آسیب‌دیده در موارد متعددی آنها را با مشتریان بالقوه آزار جنسی آشنا نموده و در مواردی به برقراری روابط جنسی و در نهایت خشونت جنسی‌شان منتهی شده است.

«ما شب و روز با افراد مختلف در ارتباطیم، حتی خودمم مصرف کننده مواد نباشم ولی دوستانم مصرف می کنند همین باعث میشه ما شب و روز با ساقیای مواد در ارتباط باشیم، این محله سبک زندگی طوریه که سر اکثر کوچه پس کوچه هاش پاتوق قمار بازهاست، تو تردد هر روزم بارها شده اذیتم کنن و متلک بیرونن، بیان سمتم و...» (شرکت کننده شماره ۶).

– زمینه های اقتصادی

وابستگی اقتصادی و فقدان سرپناه دو مقوله فرعی مرتبط با زمینه های اقتصادی هستند. زن کارتن خواب امکان کسب درآمد همانند مردان را ندارد و برای کسب درآمد و تأمین نیازهای اولیه خود، به اجبار تن به انجام کارهایی می دهد و در موقعیت هایی حضور می یابد که احتمال آزارش محتمل است. هم باشی یا زندگی اشتراکی با مردان، تن فروشی، فروش مواد و خرده فروشی، از مهم ترین استراتژی هایی است که زنان بی خانمان به عنوان راهی برای کسب درآمد خود انتخاب و در این راه با مشکلات متعددی درگیر می شوند که یکی از آنها خشونت جنسی است.

«من خیلی وقته دیگه از خونه زدم بیرون، بعد از ترک خونه دیگه هیچ وقت خانواده مو ندیدم و دنبالمم نگشتن، با مردای مختلف آشنا می شدم که همشونم مته خودم بودن اونام پارک خواب بودن، من به اونا خدمات جنسی می دادم و اونام برا من لباس می خریدن، پول توجیبی می دادن، منو با خودشون جاهای مختلفی که می رفتن می بردن، برام سیگار می خریدن و منو پیش دوستاشون که جا و مکان داشتن می بردن و بعضی شبا زیر سقف می خوابیدم» (شرکت کننده شماره ۱۱).

علاوه بر این، آن ها نداشتن منبع درآمد را علت اصلی بی سرپناه بودن خود می دانند. آن ها معتقدند که در صورت داشتن منبع درآمد، نه تنها مشکلی از لحاظ اسکان نخواهند داشت، بلکه آسیب پذیری آنها به مراتب کاهش خواهد یافت.

«آگه منبع درآمد ثابت و خوبی داشتم که کفاف مستأجری رو می داد میتونستم راحت برا خودم یه جای اجاره کنم و از این در به دری در بیام و خیلی مشکلات رو نداشتم» (شرکت کننده شماره ۲).

شرایط زمینه‌ای: شرایط زمینه‌ای، بستر و زمینه‌ای است که خشونت جنسی در آن روی می‌دهد. از نگاه استراوس و کوربین، شرایط زمینه‌ای مجموعه خاصی از شرایطاند که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌آیند تا مجموعه اوضاع و احوالی یا مسائلی را به وجود آورند که اشخاص با عمل/تعامل‌های خود به آنها پاسخ می‌دهند. شرایط زمینه‌ای ریشه در شرایط علی و مداخله‌گر دارند و بر راهبردها تأثیرگذارند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۱۵۴).

جدول ۴- شرایط زمینه‌ای

مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
طلاق والدین، مورد خشونت واقع شدن، بی‌توجهی، دعوا و درگیری، اعتیاد	نابسامانی خانواده خاستگاه	خانواده ازهم گسیخته
عدم پذیرش از سوی خانواده، فقدان امید در بازگشت به محیط خانواده	فروپاشی پیوندهای خانوادگی فرد پس از بی‌خانمان شدن	
اعتیاد گسترده، قمارهای دسته‌جمعی، ناامنی در رفت‌وآمد افراد، سرقت و غیره	شیوع آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی	محلات بی‌سازمان شهری
کوچه‌های تنگ و تاریک، فرسودگی ساختمان‌ها و به‌طورکلی گستردگی فضاهای بی‌دفاع شهری	فضای کالبدی مستعد جرم	
محیط شهری آسیب خیز و فقدان عوامل کنترل‌گر، ناهمگونی جمعیت - دسترس‌پذیری قربانیان	فقدان نظارت‌های اجتماعی و انتظامی	

- خانواده ازهم گسیخته

برخی از زنان حاضر در پژوهش، ازهم‌گسیختگی روابط خانوادگی را عاملی اساسی در قربانی شدن خود می‌دانند. آن‌ها معتقدند که محیط نابسامان خانواده و آشفتگی حاکم بر آن زمینه‌ساز ترک منزل و متعاقباً بی‌خانمانی آنها را میسر نموده است.

فرایندی که در قربانی شدن بعدی زنان بی‌خانمان و آسیب‌پذیری جنسی آنها نقش زیادی داشته است.

«شاید آگه منم یه خانواده خوب داشتم هیچ وقت تو این وضعیت الآن نبودم، ازم سوءاستفاده نمی‌شد، الان ازدواج کرده بودم بچه داشتم، زندگی داشتم برا خودم» (شرکت‌کننده شماره ۱۳).

برخی دیگر از مشارکت‌کنندگان پژوهش به فروپاشی پیوندهای خانوادگی خود با خانواده و خویشاوندان، پس از بی‌خانمان شدن اشاره می‌کنند. آن‌ها معتقدند پس از بی‌خانمان شدن دیگر خانواده پذیرای آنها نبوده و با نوعی طرد از خانواده و عدم امید به بازگشت به خانواده مواجه بوده‌اند.

«من بعد از سه سال با خانوادم خواستم ارتباط بگیرم، به آبجیم زنگ زدم هر چی از دهنش در اومد بهم گفت و گفت که آگه برگردی بابام سرت رو بیخ تا بیخ میبره، همون قبرستونی که هستی بمون» (شرکت‌کننده شماره ۷).

– محلات بی‌سازمان شهری و تشدید خطر قربانی شدن

شیوع آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی، فضای کالبدی آسیب‌زا و فقدان نظارت‌های اجتماعی و انتظامی مهم‌ترین مقوله‌های فرعی مرتبط با وضعیت بی‌سازمانی اجتماعی در محلات شهری مورد مطالعه است. محلاتی که بخش عمده‌ای از رفت‌وآمد و اسکان قربانیان خشونت جنسی را شامل می‌شود. شیوع و گسترگی انواع آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی از جمله، خرید و فروش آشکار و پنهان مواد، اعتیاد گسترده، قماربازی‌های دسته‌جمعی، ناامنی در رفت‌وآمد افراد، حضور افراد تن‌فروش، مشتریان جنسی، کارتن‌خواب، کودکان کار و خیابان، خانه‌های مجردی ارزان‌قیمت و وندالیسم از نشانگرهای اصلی وضعیت بی‌سازمانی اجتماعی در محلات مورد نظر است. شرایطی که در قربانی شدن زنان بی‌خانمان نقش اساسی دارد.

«من دسفروشی می‌کنم و اکثر وقتا تا دیر وقت بساط پهن می‌کنم هر وقت از سرکارم میام همیشه تو کوچه‌پس‌کوچه هامون مواد فروشا و مصرف‌کننده‌ها زیاده،

همیشه متلک پرانی میکنند و حتی تا دم خونه تعقیب میکنند، چن بارم بهم حمله کردن که اذیتم کردن، بدی اینجا آینه هر کی به هرکیه و هیشکی احساس مسئولیت نمیکنه و براحتی از کنار هم رد میشیم» (شرکت‌کننده شماره ۹).

فرسودگی ساختمان‌ها، کوچه‌های تنگ و تاریک، ساختمان‌های رهاشده و به‌طورکلی فضاهای بی‌دفاع شهری گسترده، فضای کالبدی آسیب‌زا و مستعد جرمی را برای عاملان خشونت جنسی فراهم نموده است.

«بیشترین آسیب‌ها و تجاوزهای خشونت باری که برامون پیش میاد تو این مخروبه‌ها و ساختمونای نیمه‌کاره رهاشده است، جای دنجیه برا کمین کردن مردا و البته مصرف مواد خودمونم هست» (شرکت‌کننده شماره ۱۴).

در نهایت می‌توان گفت، فضایی که زنان بی‌خانمان در آن حضور می‌یابند، فاقد نظارت‌های اجتماعی و انتظامی کافیست. چنین فضایی زمینه برای ارتکاب جرائم مختلف از جمله آزار و خشونت جنسی شدت و احتمال قربانی شدن برخی گروه‌ها نظیر زنان و کودکان در چنین شرایطی را افزایش می‌دهد.

«یه بار یه مرده به زور و کشان‌کشان منو داشت می‌برد تو خونه هرچی داد می‌زدم کسی نبود فقط دو نفر خواستن مداخله کنن که تا این مرده صدا زد زن خودمه کسی دخالت نکنه، اونام ترسیدن رفتن ولی شاید آگه از این دولتیا بودن قطعاً می‌گفتن کو مدرک ازدواجتون کو صیغه نامتون» (شرکت‌کننده شماره ۱۷).

شرایط مداخله‌گر: به آن دسته از عوامل اطلاق می‌شود که احتمال قربانی شدن خشونت جنسی در زنان بی‌خانمان را افزایش می‌دهد. این عوامل مداخله‌گر را می‌توان به‌گونه‌ای عوامل تسهیل‌کننده شکل‌گیری پدیده خشونت جنسی نیز نامید.

جدول ۵- شرایط مداخله‌گر

مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
نگاه منفی، تبعیض در پیگیری حقوق اجتماعی، طرد و سرزنش و مورد استهزاء و تمسخر قرار گرفتن در جامعه	انگ و برچسب اجتماعی	عدم امکان پیگیری قضایی
نیاز مالی، فقدان حامی، ناشناخته بودن عواملان خشونت، ترس از آزار مجدد	سبک زندگی روزمره	
طلاق والدین، اعتیاد والدین، متارکه، خشونت خانگی، فقر مالی و غیره	فقدان حمایت در خانواده خاستگاه	فقدان حمایت‌ها و سیاست‌های اجتماعی
رویکرد ضربتی و اجباری بودن طرح‌ها، عدم توجه به نیازها و محرومیت‌ها، نبود فرصت برای بازگشت به اجتماع	ناکارآمدی طرح‌های اجرایی بازتوان کننده	

– عدم امکان پیگیری قضایی و تداوم خشونت جنسی

انگ یا برچسب اجتماعی و سبک زندگی روزمره زنان بی‌خانمان، دو مقوله فرعی مرتبط و تأثیرگذار در قربانی شدن آنها است. برخی از زنان حاضر در پژوهش معتقدند که خشونت‌هایی که علیه آنان اعمال می‌شود، در اکثریت موارد توسط خودشان مخفی نگه‌داشته می‌شود، زیرا امکان پیگیری آن از طریق مراجع قضایی نیست. از منظر آنها، وضعیتشان (به‌ویژه کارتن‌خوابی و ظاهر به‌هم‌ریخته‌شان) و انگ و برچسبی که نسبت به آنها و رفتارهایشان وجود دارد، به‌گونه‌ای است که امکان پیگیری را از آنها سلب و معتقدند در صورت پیگیری، مرجعی پاسخگوی آنها نخواهد بود.

«کسی به حرف ماها گوش نمی‌ده. اصلاً کسی حرف ماها رو قبول نداره. از بس

وضعیت ظاهریمون به هم ریختست و توی جامعه جایگاه به‌هم‌ریخته‌ای داریم که

نمیتونیم خواسته هامون رو پیگیری کنیم. بارها بهمون تجاوز شده ولی جرأت

نکردیم به مرجعی بریم» (شرکت‌کننده شماره ۱۰).

برخی دیگر، آسیب‌پذیری جنسی را اقتضای سبک زندگی‌شان می‌دانند. نیازهای مالی زنان، ترس از تکرار خشونت و فقدان حامی، گمنامی اکثریت آزاردهندگان جنسی و بلامکانی، از مهم‌ترین موضوعاتی است که زنان به اجبار به خواسته‌های جنسی مردان تن می‌دهند و چنین موضوعاتی در موارد متعددی تداوم خشونت جنسی آنان را در پی دارد. نشانگرهایی که همسو با سبک زندگی آسیب‌زا در افراد بی‌خانمان است.

«من بارها خواستم برم شکایت کنم از این مردای که اذیتم میکنند ولی هر بار ترسیدم که نکنه فلانی بفهمه کار من بوده و بازم بیاد سروقتم و بلایسی سرم بیاره، بخاطر همین تحمل کردتش میارزه به زجر هر روزش» (شرکت‌کننده شماره ۱۰).

- ناکارآمدی سیاست‌ها و حمایت‌های اجتماعی

فقدان حمایت در خانواده خاستگاه و ناکارآمدی طرح‌های اجرایی بازتوان‌کننده دو مقوله فرعی مرتبط با این مقوله هستند. آن‌ها قبل از هر چیزی، بر وضعیت آسیب‌زنده خود (قبل از بی‌خانمانی) تأکید دارند. شرایطی که با فقدان هرگونه مداخله و ترمیم‌پذیری از سوی نظام رفاه اجتماعی همراه بوده است. مداخلاتی که چه‌بسا حضور و انجام آن در زندگی افراد بی‌خانمان، از آسیب‌پذیری آنها پیشگیری می‌نمود.

«من از بیجگی تو خانواده‌ای بودم که پدر بالاسرم نبود، ۳ سالم بود که پدرم ولمون کرد و رفت پی زندگیش، ما با خانواده مادرم زندگی می‌کردیم، همیشه دایمی هام زخم زیونمون می‌زدن، پول خرجیمونو به زور و منت می‌دادن، دیگه کم‌کم اون جهنم دونی رو ول کردم و اوادم یه جهنمکده دیگه» (شرکت‌کننده شماره ۱۷).

علاوه بر این، آن‌ها معتقدند پس از بی‌خانمان شدن، ناکارآمدی حمایت‌ها به حدی بوده است که هیچ‌گونه فرصت و مجالی برای بازگشتشان به اجتماع و رها شدن از شرایط همراه با خشونت جنسی را فراهم ننموده است.

«بعد از اینکه ترک کردم، هیچ شخص یا نهادی حاضر نبود از من حمایت کنه. شرایط سختی داشتم، می‌خاستم کارکنم ولی ضامن نداشتم و بهم اعتمادی نداشتم. خلاصه زندگی روزمره سختی داشتم، به همین خاطر مجدد برگشتم به مواد» (شرکت‌کننده شماره ۱۳).

مقوله محوری یا مرکزی - آسیب‌پذیری و بی‌پناهی

از بررسی زمینه‌ها و پیامدهای متعدد مرتبط با قربانی شدن زنان بی‌خانمان، می‌توان مقوله «آسیب‌پذیری و بی‌پناهی» را به‌عنوان مقوله مرکزی و هسته اصلی تجربیات زنان بی‌خانمان در این دو بُعد نام برد. در واقع، سبک و شرایط زندگی روزمره زنان بی‌خانمان و دلایل مداخله‌گر و زمینه‌ای مختلف، وضعیت آسیب‌پذیرانه‌ای را برای آنها رقم زده است. وضعیتی که آنها را در برابر آسیب‌ها و پیامدهای متعدد، آسیب‌پذیر و بی‌دفاع می‌کند. از سویی دیگر، آسیب‌پذیری این افراد همراه با بی‌پناهی (حامی و سرپناه) و به‌گونه‌ای است که آنها را در برابر آزارهای جنسی آسیب‌پذیر و آنها را به در دسترس‌ترین و یا به زبانی دیگر دم دست‌ترین قربانیان بالقوه خشونت جنسی تبدیل می‌کند.

راهبردها: شامل استراتژی‌هایی است که زنان بی‌خانمان در برخورد با خشونت جنسی به کار می‌گیرند. در پژوهش حاضر این راهبردها را می‌توان به دو نوع، سازگارمدار و تغییرمدار - بهبودمدار، تبدیل نمود. راهبردهایی که نمایانگر تلاش زنان برای خروج از شرایط منفی خود (راهبردهای تغییرمدار - بهبودمدار) یا عدم تلاش برای خروج از این شرایط است (راهبردهای سازگارمدار).

جدول ۶- استراتژی‌ها

مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
نگرش مبتنی بر بخشی از سبک زندگی روزمره، روابط جنسی بقاء‌گرایانه، بی‌خانمانی عمیق	تن دادن به شرایط حاکم	استراتژی‌های سازگارمدار
عدم امکان پی‌ریزی یک زندگی هدفمند، بی‌فایده بودن تلاش برای یک زندگی بهتر، فقدان هرگونه امیدواری برای بازگشت به شرایط مثبت	احساس درماندگی	
عدم حضور در فضاهای آسیب‌زا، اجتناب از ارتباط با عاملان بالقوه آزار	تغییر سبک و شیوه زندگی	
قطع مصرف مواد، عدم حضور در موقعیت‌ها و فضاهای آزاررسان	رها شدن از مصرف مواد - بی‌خانمانی	استراتژی‌های تغییرمدار - بهبودمدار

راهبردهای سازگار مدار

تن دادن به شرایط حاکم و احساس درماندگی، دو مقوله فرعی مرتبط با مقوله راهبردهای سازگار مدار هستند.

به اعتقاد برخی از آنان، یکی از اقتضائات سبک زندگی‌شان، تن دادن به روابط جنسی متعدد و در موارد زیادی همراه با خشونت است. می‌توان این طیف از زنان را افرادی نام نهاد که با شرایط گریزناپذیر حاکم سازگار شده‌اند.

«سبک زندگی ما طوریه که دیگه بهش عادت کردیم، به تمام آسیب‌هایی که بهمون وارد میشه عادت کردیم، دیگه مجبوریم این شرایط رو بپذیریم و بارها و بارها با افراد مختلف رابطه‌های متعدد همراه با آزار و اذیت داشته باشیم» (شرکت‌کننده شماره ۷).

آن‌ها خروج از شرایط یادشده را منوط به تغییر سبک و شیوه زندگی خود می‌دانند. برخی دیگر معتقدند شرایطشان به حدی دارای ابعاد منفی پیچیده است که تلاش برای رهایی از آن بی‌فایده است. آن‌ها از احساس درماندگی و فقدان هرگونه امیدواری برای بازگشت به شرایط مثبت سخن می‌گویند.

«ما چی رو میتونیم تغییر بدیم، هر کاری هم بکنیم آخرش باز برمیگردیم تو این شرایط، انقدر مشکلاتمون زیاده که حل کردن یکی دوتا هیچ دردی رو دوا نمیکنه، ما تا ته منجلااب فرو رفتیم و فقط داریم بال‌بال بی‌فایده می‌زنیم» (مشارکت‌کننده شماره ۴).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

راهبردهای تغییر مدار - بهبود مدار

تغییر سبک و شیوه زندگی و رها شدن از مصرف مواد/ بی‌خانمانی دو مقوله فرعی مرتبط با راهبردهای تغییر مدار - بهبود مدار است.

استراتژی برخی از زنان بی‌خانمان، تغییر سبک و شیوه زندگی روزمره خود است و تلاششان بر این است که علی‌رغم حضور در شرایط بی‌خانمانی، از حضور در موقعیت‌های آزار رسان و ارتباط با عواملان خشونت اجتناب کنند.

«شرایط زندگی ما اگر تغییر کنه کمتر آسیب می بینیم کمتر بهمون دست درازی میشه، منظورم از شرایط اینه که کمتر تو پاتوقها باشیم، کمتر تو کوچه پس کوچه های تنگ و تاریک و مخروبه ها رفت و آمد داشته باشیم و با مردای کارتن خواب و پاتوقای مصرف مواد رفت و آمد نداشته باشیم» (شرکت کننده شماره ۶).

برخی دیگر استراتژی رهایی از مصرف مواد و بی خانمانی را به عنوان روشی برای خلاصی از خشونت جنسی خود می دانند. این گروه از زنان که تعدادشان نسبت به دو گروه دیگر به مراتب کمتر است، از مصرف مواد و بی خانمانی به عنوان عامل اساسی خشونت جنسی خود یاد می کنند.

«من آگه ترک کنم و نکشم خیلی خوب از پس خودم بر میام و میتونم جلو مردا وایسم و نزارم اذیتم کنن، خیلی وقتا لنگ مواد و گول مواد میشم و همینم باعث میشه اونا ازم سوءاستفاده کنن» (شرکت کننده شماره ۱۹).

پیامدها: در این بخش از پژوهش، به پیامدهایی می پردازیم که حاصل راهبردهای (منفعلا نه و فعالانه) از سوی زنان بی خانمان است. پیامدهایی که منطبق با هر کدام از راهبردهای ذکر شده، تفاوت هایی نیز دارد.

جدول ۷- پیامدهای به کارگیری راهبردهای سازگارمدار

مقوله های اصلی	مقوله های فرعی	مفاهیم
پیامدهای روانی	اختلال استرس پس از سانحه	استرس و اضطراب مداوم، مرور ذهنی رویداد، بی اعتمادی و اختلال در روابط
	احساس گناه	خودمقصری، سرزنش خود و رفتارهای خویش
	درونی کردن آسیب	پذیرش خودفروشی، تن دادن به خودفروشی، سبک زندگی منفعلانه
	افکار خودکشی/اقدام به خودکشی/خودزنی	نشخوار ذهنی خود آسیبی، رها شدن از موقعیت و عامل آزاررسان، اقدام عملی در برابر شرایط آزاردهنده

احساس کالا شدگی	احساس قربانی شدن و بی‌پناهی، تن دادن به شرایط ناخوشایند
از دست دادن عزت نفس	احساس بی‌ارزشی و حقارت
ترس از قربانی شدن مجدد	نگرانی از حضور در اجتماع، تجارب متعدد آزار جنسی، تردد در محلات آسیب‌پذیر شهری
پیامدهای جسمانی	درگیری با بیماری‌های مقاربتی - عفونی
	روابط جنسی پرخطر، فقدان دسترسی به وسایل پیشگیری
	بارداری‌های ناخواسته
	روابط جنسی گروهی، عدم استفاده از وسایل پیشگیری، سقط‌جنین
	ضرب و جرح فیزیکی
	روابط جنسی گروهی، آزار از سوی مشتریان جنسی
پیامدهای اجتماعی	گسست مشارکت اجتماعی
	گسست بیشتر از اجتماع، محدود شدن ارتباطات افراد بی‌خانمان با هم‌تایان و همسرخان آسیب‌دیده، آسیب‌زایی بیشتر
	انزوای اجتماعی
	جدایی یا کناره‌گیری از اجتماع، قطع ارتباط فرد با اجتماع، احساس جدا بودن از جامعه، گسست شبکه‌های حمایتی و فقدان مشارکت اجتماعی
	فقدان تعلق اجتماعی
	طرد اجتماعی، بی‌اعتمادی و عدم پذیرش اجتماعی

پیامدهای به‌کارگیری راهبردهای سازگارمدار

- پیامدهای روانی

اختلال استرس پس از سانحه، احساس گناه، درونی کردن آسیب، افکار خودکشی، احساس کالا شدگی و ترس از حضور در اجتماع، مقولات فرعی مرتبط با پیامدهای روانی هستند.

یکی از مهم‌ترین پیامدهای خشونت جنسی از نگاه زنان، استرس و اضطراب‌هایی است که پس‌از آن وجود دارد که می‌توان آن را، اختلال اضطراب پس از سانحه (PTSD) نامید. به‌نحوی که فرد پس از قربانی شدن، بارها صحنه‌های مورد خشونت

واقع شدن را مرور می‌کند و از قرار گرفتن در محیط‌های مشابه و روبرو شدن با مردان هراس دارد.

«هر شب که میخابم احساس می‌کنم بهم تجاوز میشه، همش یه ترسی باهامه که نمیزاره راحت بخابم، همین چند وقت پیش می‌خاستم تو یه تولیدی کارکنم ولی دیدم چنتا مرد اونجا کار میکنن ترسیدم و نرفتم» (شرکت‌کننده شماره ۱۸).

برخی از آنان بر این باور هستند که خطا و اشتباهاتی که مرتکب شده‌اند، عامل اصلی در مورد خشونت واقع شدن است.

«حال و روز خودم باعث شده مردا ازم سوءاستفاده کنن، منم اگر خانواده داشتم، همسر داشتم بچه داشتم هیچ وقت باهام همچین رفتاری خشونت باری رو نمی‌کردن، مقصر اصلی خودمم وگرنه چرا برا زنای دیگه که کنار خانوادشون از این اتفاقا پیش نیاید» (شرکت‌کننده شماره ۱)

برخی دیگر بر این باورند که نقش قربانیان دست‌وپا بسته را دارند و مستحق خشونت جنسی هستند. تحمیل شدن این دیدگاه به زنان بی‌خانمان و درونی کردن آن توسط زنان بی‌خانمان، آنان را به سمت وسوی خودفروشی سوق می‌دهد. نوعی رفتار واکنشی که می‌توان آن را «درونی کردن آسیب» نام نهاد.

«وقتی بارها و بارها بهمون تجاوز میشه، اذیتمون میکنن، هرزه صدامون میکنن، دم دستی لقبمون میدن، دیگه چی برامون میمونه، یه شخصیت برامون میسازن که خودمونم دیگه باورش داریم، پس چیزی برا باختن نداریم، میریم سراغ خودفروشی. ما چه بخایم چه نخایم قربانی میشیم پس چه بهتر که حداقل یه منبع درآمد داشته باشیم که بتونیم خرج خودمون و سیگارمونو در بیاریم» (شرکت‌کننده شماره ۳).

آنها معتقدند، سبک زندگی‌شان به گونه‌ای است که خواه‌ناخواه در چنگ مردان هستند که مورد خشونت، آزار و اذیت جنسی قرار می‌گیرند پس بهتر است به جای عرضه رایگان خدمات جنسی به مردان به سمت خودفروشی بروند و از این راه هم درآمدی را کسب کنند که بتوانند مخارجشان را تأمین کنند و هم از طرفی چون با

آگاهی به سمت مشتریان جنسی خود می‌روند خطرات کمتری آنان را تهدید می‌کند. قربانیان خشونت جنسی زمانی که از افکار خود صحبت می‌کنند به نشخوارذهنی تمایل به خودکشی و حس بی‌ارزش بودن اشاره می‌کنند. برخی از زنان بی‌خانمان اظهار می‌کنند که تجربه خشونت جنسی از جانب مردان منجر به این شده که به‌کرات افکار خودکشی را در ذهن پیوراندند. برخی از آنها، افکار خودکشی خود را عملیاتی و در مقابل شرایط آزاردهنده، اقدام به خودکشی می‌کنند.

«وقتی مادام مورد خشونت جنسی قرار بگیری و همه جوره آزارت بدن دیگه خواه ناخواه افکار خودکشی میاد سراغت، من بارها خودزنی کردم، چیزی برا باختن ندارم. شب و روز افکار خودکشی میاد سراغم مخصوصاً وقتی که مردا منو هرزه صدا کنن، بهم فحش بدن، به‌زور تجاوز کنن و...» (شرکت‌کننده شماره ۱۲).

زن بی‌خانمان، اغلب این احساس را دارد که ابزاری برای سوءاستفاده دیگران است. «انقد دیگه از این بلاها سرمون اومده که آگه یه روز سرمون نیاد غیر طبیعیه و عادت نداریم، ما چون بی کس و کاریم همه‌جوره آزمون سوءاستفاده میکنن و تهشم هزارتا لقب ناجور بهمون میچسبونن، انگار ابزاری در دست مردانیم که این ابزار هیچ ارزش و حرمتی نداره، سرنوشت مام اینجوری رقم خوره» (شرکت‌کننده شماره ۷).

همراستا با مضمون بالا، می‌توان گفت، احساس بی‌ارزشی از نتایج اصلی کالا شدگی از نگاه زنان بی‌خانمان است.

«ما دیگه خودمونو باختیم و تسلیم شدیم، بخدا من اصلاً دیگه حس نمی‌کنم یه زن هستم، یه موجودی‌ام که بود و نبودم فرقی نداره یا بهتره بگم خیابون بهم لگد زدن و برا نبودم دست به دعا شدن، بارها شده رفتم از سطل زباله‌ها غذایی چیزی پیدا کنم حرفا و صداهای مردم رو شنیدم که به بچه هاشون چی گفتن، خودمونم دیگه باور داریم که برا جامعه مضرریم و مردم آزمون میترسن» (شرکت‌کننده شماره ۱۳).

ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی محلات شهری که زنان بی‌خانمان در آن حضور پیدا می‌کنند، عمدتاً به گونه‌ای است که ترس از قربانی شدن را برای آنها در پی داشته است.

«محل‌هایی که ما تردد داریم و بنحس زیادی از شب و روزمون رو اینجاها سپری می‌کنیم، پر از کوچه‌های تنگ و تاریکه، پر از خرابه‌های بدون استفاده. پر از پاتوق‌های مصرفه. همه جور خلاف و خلافکار هم داخلش هست. چون چند بار همین جاها خفت شدم و مورد آزار و خشونت جنسی قرار گرفتم، الانم می‌ترسم برم اونجاها، هر وقتم رد میشم این احساسو دارم» (شرکت‌کننده شماره ۱).

- پیامدهای جسمانی

درگیری با بیماری‌های مقاربتی - عفونی، بارداری‌های ناخواسته و ضرب و جرح فیزیکی، مقوله‌های فرعی مرتبط با پیامدهای جسمانی است. سبک زندگی زنان بی‌خانمان به گونه‌ای است که دم دست‌ترین و یا در دسترس‌ترین افراد در جهت قربانی شدن هستند. فقدان دسترسی همیشگی به وسایل پیشگیری، عدم آگاهی نسبت به ضرورت استفاده از آن و در مواردی عدم تمایل یکی از شرکای جنسی در به کار بردن آن، مخاطره‌آمیز بودن روابط جنسی در بین افراد بی‌خانمان را افزایش می‌کند.

«خیلی از مردا اصلاً نمیدونن کاندوم چیه استفادهش چه جوریه، مگر اینکه خودمون اصرار داشته باشیم که استفاده کنن ولی از طرفی هم چون در دسر نیست و قیمتشم داروخانه گرونه دیگه خیلی به ندرت استفاده می‌کنیم» (شرکت‌کننده شماره ۱۷).

علاوه بر این، از نگاه آنان، روابط جنسی ایجادشده مابین زنان بی‌خانمان و دیگران، اغلب با نادیده گرفتن حقوق آنان همراه بوده و در چنین روابطی که عمدتاً همراه با سلطه و خشونت جنسی از جانب مردان است، احتمال بارداری‌های ناخواسته وجود دارد.

از دیگر پیامدهای خشونت جنسی، ایراد ضرب و جرح از سوی مشتریان جنسی است. اغلب زنان بی‌خانمان تجربیات متعددی از مورد خشونت فیزیکی واقع شدن را گزارش داده‌اند.

«بعضیاشون طلبکارم هستن، نه تنها پولتو نمیدن بلکه کتکتیم میزنن، حتی دوستانم هستن کسانی که تعریف میکنن وسیله هاشونم بردن و مدارکشونو دزدیدن ازشون، خودم بارها درگیری داشتم سر پول ندادن، بهانه میارن که بهت جا دادیم یه شب غذا دادیم و...» (شرکت‌کننده شماره ۱۹).

- پیامدهای اجتماعی

گسست مشارکت اجتماعی، انزوای اجتماعی و فقدان تعلق اجتماعی سه مقوله فرعی مرتبط با پیامدهای اجتماعی است. می‌توان گفت فقدان مشارکت اجتماعی در ارتباط با این دسته از زنان بی‌خانمان که به شرایط حاکم تن داده و به‌نوعی درگیر بی‌خانمانی مزمن یا عمیق‌اند، به‌مراتب مصداق و نمود بیشتری دارد. محدود شدن ارتباطات افراد بی‌خانمان با هم‌تایان و هم‌سنخان آسیب‌دیده، آسیب‌زایی هرچه بیشتر آنها را به دنبال دارد.

«ما یه جووری زندگی می‌کنیم که فقط و فقط میتونیم با امثال خودمون باشیم، ما هیچ دوست سالمی نداریم، هیچ دوستی نداریم که خونه و زندگی و خانواده داشته باشه، ما فقط تسلیم چارچوب زندگی مشابه با امثال خودمونیم» (شرکت‌کننده شماره ۱۱).

احساس جدا بودن از جامعه، گسست شبکه‌های حمایتی و فقدان مشارکت اجتماعی از مفاهیم کلیدی مرتبط با انزوای اجتماعی است.

«ما هر جای بریم انگشت‌نماییم، من یادمه حتی یک از دوستانم تعریف می‌کرد مدارک هویتیش گم شده رفته ثبت احوال پیگیری مدارکش چنان باهانش برخورد بدی داشتن که خواستن هزارتا انگ دزدی بهش بزننو تحویل پلیسش بدن که در رفته و بیخیال مدارکش شده، همین باعث شده که ما از حضور تو جامعه ترس داشته باشیم و منزویانه زندگی کنیم» (شرکت‌کننده شماره ۱۲).

فقدان تعلق به جامعه، آخرین مقوله استخراج شده و مرتبط با دو مقوله یادشده است. عدم پذیرش آنها از سوی اجتماع و بی‌اعتمادی ایجادشده به همراه دیگر شرایط اجتماعی یادشده در شکل‌گیری چنین موضوعی نقش تعیین‌کننده داشته است.

«امثال ما توی جامعه نه جایگاهی داریم و نه بهمون بهایی داده میشه. از همه کس و همه جا هم طرد شدیم، معلومه که تعلق و تعهدی برامون باقی نمونده.» (شرکت‌کننده شماره ۵).

جدول ۸- پیامدهای به‌کارگیری راهبردهای سازگارمدار

مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
تبدیل شدن به شخصیتی مستقل، تعریف شده و هدفمند، احساس رضایت	-	احساس ارزشمند بودن
پیوند مجدد با جامعه، تغییر شرایط و شیوه زندگی، زندگی هنجارمند،	-	امید به بازگشت به اجتماع
خودباوری، جبران شکست‌های زندگی	-	افزایش اعتمادبه‌نفس

پیامدهای به‌کارگیری راهبردهای بهبود مدار/تغییرمدار

احساس ارزشمند بودن، امید به بازگشت به اجتماع و افزایش اعتمادبه‌نفس مقولات فرعی مرتبط با پیامدهای راهبردمدار/ تغییرمدار هستند. زنان بی‌خانمان بر این باورند که اگر بتوانند وضعیت زندگی خود را تغییر دهند و از بی‌خانمانی و مصرف مواد رهایی یابند می‌توانند برای خود شخصیتی مستقل، تعریف شده و هدفمند داشته باشند که این شخصیت ارزشمند دیگر قربانی مردان آزاردهنده نخواهد بود.

«من آگه حتی یک درصدم بتونم شرایطمو تغییر بدم حداقل این مواد کوفتی رو بزارم کنار و دیگه خمار و نعشگی نکشم نمی‌زارم هیچ مردی بهم دست بزنه، مثه همه آدمای سالم زندگیمو می‌کنم و برای شخصیت خودم احترام قائل میشم و به بقیه هم حق تجاوز و دس درازی رو نمی‌دم» (شرکت‌کننده شماره ۵).

برخی از آنها بر این باورند، در صورتی که بتوانند شرایط را تغییر دهند و شیوه زندگی‌شان را هم‌رنگ جامعه کنند و مانند سایر افراد سالم زندگی کنند می‌توانند به جامعه بازگردند.

«ما آگه پاک باشیم و مواد مصرف نکنیم میتونیم شغل پیدا کنیم و برا خودمون درآمد داشته باشیم. تو جامعه بیایم و بریم، کسی سنگمون نزنه، برا کسی ترس نداشته باشیم، با انگشت نشونمون ندن، مته تمام آدمای دیگه زندگیمونو بکنیم من همه جور حاضر از این وضعیت رهایی پیدا کنم» (شرکت‌کننده شماره ۱۲).

آن‌ها معتقدند که هرگونه تغییر و تحول در زندگی‌شان و نداشتن تجربه‌های ناخوشایند باعث می‌شود که خود را باور داشته باشند و شکست‌های زندگی‌شان را جبران کنند.

«من آن زمانی اعتماد به نفسم رو از دست دادم که براحتی بازیچه دست مردان شدم، شخصیتم رو خورد کردن، بهم احترام نداشتن، بزور بهم تجاوز کردن، برا مخارج روزانم دست به دامن هر ناهالی شدم... چه شخصیتی برام باقی می‌مونه که بخوام بهش اعتماد داشته باشم» (شرکت‌کننده شماره ۳).

مدل پارادایمی ارائه شده حاصل یافته‌های استخراج شده از تجربه خشونت جنسی در زنان بی‌خانمان است. مدلی که در قالب فرایند کدگذاری با استفاده از روش گراندد تئوری به دست آمده است. در ارتباط با شرایط علی یا سبب‌ساز، نه مقوله فرعی به دست آمد، که در زیر چهار مقوله اصلی یا کلی‌تر شامل، زمینه‌های فردی، زمینه‌های محیطی، زمینه‌های اجتماعی و زمینه‌های اقتصادی جای داده شدند. مجموعه‌ای از علل و عوامل که در ایجاد خشونت جنسی نقش محوری داشته‌اند. در ارتباط با شرایط زمینه‌ای نیز پنج مقوله فرعی به دست آمد و در ذیل دو مقوله کلی‌تر با عناوین، خانواده ازهم‌گسیخته و محلات بی‌سازمان شهری قرار داده شدند. همان بستر و زمینه‌هایی که خشونت جنسی در آن روی داده است.



مدل پارادایمی تجربه خشونت جنسی در زنان بی‌خانمان

در ادامه، شرایط مداخله‌گر خشونت جنسی در زنان بی‌خانمان نیز در چهار مقوله فرعی و در ذیل دو مقوله کلی‌تر شامل، عدم امکان پیگیری قضایی و فقدان حمایت‌ها و سیاست‌های اجتماعی جای گرفت. این عوامل مداخله‌گر را می‌توان به‌گونه‌ای عوامل تسهیل‌کننده شکل‌گیری پدیده خشونت جنسی نیز نامید. با جمع‌بندی و الهام از تمام مقوله‌های فرعی و کلی یادشده، مقوله یا پدیده محوری کنکاش گردید و به دنبال مفهومی بودیم که بتوان تجارب متعدد خشونت جنسی زنان را در ذیل آن گنجانید. مقوله انتزاعی آسیب‌پذیری و بی‌پناهی به‌عنوان مقوله یا پدیده محوری پژوهش حاضر انتخاب گردید. در ادامه کار، به کنکاش استراتژی‌ها یا راهبردهایی پرداخته شد که زنان بی‌خانمان در برخورد با خشونت جنسی به کار می‌گیرند.

استراتژی‌های سازگار مدار و استراتژی‌های بهبود مدار دو مقوله‌ای است که در این مرحله استخراج شد. در این راستا، چهار مقوله فرعی به دست آمد که سه مقوله در ذیل استراتژی‌های سازگار مدار و یک مقوله دیگر در ذیل استراتژی‌های تغییر مدار-بهبود مدار جای گرفت. در آخرین مرحله کار، پیامدهای به‌کارگیری استراتژی‌های یادشده نیز کنکاش شد و این پیامدها در قالب مقولاتی دسته‌بندی شد. پیامدهای به‌کارگیری راهبردهای سازگارمدار نیز در قالب سه مقوله کلی شامل پیامدهای روانی (با هفت مقوله فرعی)، پیامدهای جسمانی (با سه مقوله فرعی) و پیامدهای اجتماعی (با سه مقوله فرعی) جای گرفت. پیامدهای به‌کارگیری راهبردهای تغییر مدار/بهبودمدار نیز در قالب سه مقوله کلی شامل احساس ارزشمند بودن، امید به بازگشت به اجتماع و افزایش اعتمادبه‌نفس جای گرفتند.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس تحلیل مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان، زمینه‌های علی یا سببی خشونت جنسی زنان بی‌خانمان، در چهار حوزه؛ فردی، محیطی، اجتماعی و اقتصادی مقوله‌بندی شد. در سطح فردی، مقوله‌هایی همچون، اعتیاد و رفتارهای اعتیادی، اختلالات روانی - ذهنی و

شرکای جنسی آسیب‌رسان استخراج شد. اعتیاد و رفتارهای اعتیادی، اغلب تداوم و مزمن شدن بی‌خانمانی افراد را به دنبال دارد. علاوه بر این، همراه شدن اعتیاد و بی‌خانمانی به‌طور همزمان، آسیب‌پذیری زنان را به‌شدت افزایش و آنها را در برابر انواع آسیب‌های اجتماعی نظیر خشونت جنسی فاقد دفاع می‌کند. یافته‌ای که همسو با تحقیق جسیکا و همکاران (۲۰۱۶) است که نشان از آن دارد که مصرف مواد معمولاً با رفتارهای جنسی یا قربانی جنسی همراه است. همچنین همسو با تحقیق لیندا و همکاران (۲۰۰۴) است که در آن مشارکت‌کنندگان مصرف مواد را در ازای رابطه جنسی گزارش داده‌اند.

فراوانی همنشینی مشارکت‌کنندگان پژوهش با همتایان آسیب‌دیده و شرکای بالقوه آزار جنسی، زمینه تعامل زنان را با عاملان بالقوه آزار فراهم و در مواردی به خشونت جنسی می‌انجامد. موضوعی که مطابق با تئوری همنشینی افتراقی ساترلند و تأثیری است که ایشان بر شکل‌گیری انحراف در محیطی می‌داند که فراوانی ارتباط افراد با منحرفان بیشتر از افراد عادی است. یافته‌های به‌دست‌آمده در این بخش نیز هم‌راستا با تحقیق برتون و بونستون (۱۹۹۲) است که زنان بی‌خانمان بر مورد خشونت قرار گرفتن توسط شریک قانونی یا دوست‌پسر جنسی خود تأکید کرده‌اند.

زمینه‌های اجتماعی با مقولات فرعی شامل، معاشرت با همتایان آسیب‌دیده و فقدان مهارت در تعاملات اجتماعی، دیگر بُعد سببی استخراج شده از یافته‌ها است. معاشرت با همتایان آسیب‌دیده و احتمال آسیب‌زایی و انحراف فرد را نیز می‌توان با استفاده از تئوری همنشینی افتراقی ساترلند تبیین کرد. از زمینه‌های محیطی آسیب‌زا، دو مقوله فرعی شامل، شیوه زندگی روزمره و حیطه‌های فضایی و خطر قربانی شدن استخراج شد. مقوله‌هایی که بر محیط و فضای محیطی آسیب‌رسانی تأکید دارد که منتهی به قربانی شدن زنان بی‌خانمان می‌شود. در جمع‌بندی دو مضمون یادشده (شیوه زندگی روزمره، حیطه‌های فضایی)، می‌توان گفت، روایت توصیف شده از زندگی زنان بی‌خانمان همسو با نظریه‌های سبک و شیوه زندگی و فعالیت‌های روزانه است. مطابق

با این دو تئوری، نوع زندگی افراد و فعالیت‌های آنها و چگونگی حضورشان در اجتماع، نقش کلیدی در آسیب‌پذیری آنان دارد.

آخرین بُعد از دلایل سببی/عللی خشونت جنسی زنان بی‌خانمان، زمینه‌های اقتصادی است. در واقع، وابستگی اقتصادی یا نیاز مالی زنان بی‌خانمان و بلامکانی آنها (دو مقوله فرعی استخراج شده) از زمینه‌هایی است که زنان را بی‌پناه و آنها را در برابر انواع آسیب‌ها، آسیب‌پذیر می‌کند. آنها به استراتژی‌های مختلفی برای رهایی از چنین مشکلی روی می‌آورند. تن‌فروشی، خرده‌فروشی (مواد) و هم‌باشی سه روش اصلی به کار گرفته شده از جانب زنان است. نتایج به‌دست‌آمده نیز همسو با چندی از تحقیقاتی است که در تحقیقات مرور شده بر آن تأکید شده است. در تحقیق جسیکا و همکاران (۲۰۱۵)، بر درگیر بودن جوانان بی‌خانمان در روسپیگری خیابانی و رابطه جنسی برای بقاء تأکید شده است. همچنین مطابق با تحقیق سوزان و همکاران (۲۰۰۱) و گودمن و همکاران (۲۰۰۶)، درگیری در فعالیت‌های بقاء معیشتی، خطر قربانی جنسی شدن را افزایش داده است.

با استنباط از تئوری فشار اجتماعی می‌توان گفت هنگامی که زنان به اهدافشان نظیر تأمین مالی، سرپناه، خوراک، پوشاک و نظایر آن نمی‌تواند دست پیدا کنند، به روش‌هایی از جمله خشونت جنسی تمسک می‌جویند و یا تن می‌دهند. در خصوص شرایط زمینه‌ای خشونت جنسی در زنان بی‌خانمان، مقولات اصلی استخراج شده عبارت‌اند از: خانواده ازهم‌گسیخته و محلات بی‌سازمان شهری. خانواده ازهم‌گسیخته، مقوله‌ای است که تقریباً در وضعیت زندگی همه مشارکت‌کنندگان پژوهش مصداق دارد. موضوعی که در تداوم و عمیق شدن بی‌خانمانی آنها نقشی محوری داشته است. محلات بی‌سازمان شهری، مقوله دیگری است که زمینه را برای قربانی شدن زنان تشدید می‌کند. در واقع، رفت‌وآمد این تیپ از زنان عمدتاً در محلات آسیب‌خیز شهری است.

محلاتی که مطابق با رویکرد بی‌سازمانی اجتماعی، با آشفتگی فضای اجتماعی و کالبدی حاکم، شیوع آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی، فقدان نظارت‌های اجتماعی و

انتظامی و فضای کالبدی مستعد جرم، فرصت مناسبی را برای اعمال جرائم مختلف از جمله جرائم جنسی فراهم می‌کند. در خصوص عوامل میانجی خشونت جنسی در زنان بی‌خانمان، دو مقوله اصلی شامل، عدم امکان پیگیری قضایی و فقدان حمایت‌ها و سیاست‌های اجتماعی استخراج شد. می‌توان گفت، انگ و برچسبی که از سوی جامعه و نهادهای اجتماعی موجود در آن (از جمله نهادهای انتظامی و قضایی) نسبت به زنان بی‌خانمان وجود دارد، امکان پیگیری هرگونه خشونت جنسی را از آنها سلب می‌کند. مقوله‌ای که نشان از وجود خلأهای قانونی در ارتباط با این تیپ از زنان جامعه دارد. فقدان حمایت‌ها و سیاست‌های اجتماعی، دیگر مقوله‌ای است که در سطوح مختلف در تسهیل قربانی شدن زنان بی‌خانمان نقش دارد.

ناکارآمدی نظام رفاه اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی را می‌توان در دو بُعد قبل از بی‌خانمانی و بعد از بی‌خانمانی مورد بحث قرار داد. مطابق با مصاحبه‌های انجام شده، مشارکت‌کنندگان پژوهش قبل از بی‌خانمانی، شرایط ازهم‌گسیخته‌ای را تجربه نموده‌اند. گسیختگی شرایط اولیه زنان به همراه ناکارآمدی نظام رفاه اجتماعی، درگیر شدن زنان با بی‌خانمانی را در پی داشته است. موضوعی که عامل کلیدی در قربانی شدن زنان به شمار می‌رود. پس از بی‌خانمان شدن فرد، انتظار حمایت از سوی نظام رفاهی، به‌منظور بازتوانی و بازگرداندن افراد به اجتماع، انتظاری منطقی است. درحالی‌که مطابق با اظهارات مشارکت‌کنندگان پژوهش، در این مرحله حساس نیز مجدداً شاهد غفلت و بی‌توجهی نظام رفاه اجتماعی هستیم.

نظامی که سیاست‌های خود را عمدتاً در بُعد فردی طراحی می‌کند و نوک حمله خود را صرفاً "فرد بی‌خانمان" می‌بیند. نوعی نگاه مقصرپنداری و سرزنش قربانی که بی‌توجهی به نقش سطوح کلان را در پی دارد. در واقع غافل از اینکه نقش ساختارهای اجتماعی و نهادهای اجتماعی اگر بیشتر نباشد، یقیناً کمتر از نقش افراد نیست. غفلت از چنین موضوع مهمی، طراحی برنامه‌های ناکارآمد همچون طرح‌های اجباری و سیکل معیوب جمع‌آوری و بازگشت فرد به شرایط آسیب‌زا را در پی داشته است.

آسیب‌پذیری جنسی و بی‌پناهی، مقوله محوری پژوهش حاضر است. مقوله‌ای که هم با یافته‌های پژوهش و هم با تئوری‌های به کار گرفته شده ارتباط محوری دارد. از یک‌سو، نگاهی به وضعیت تجربه شده زنان بی‌خانمان و زمینه‌های متعدد فردی، اجتماعی، ساختاری و محیطی حاکم بر خشونت جنسی آنها به گونه‌ای است که آسیب‌پذیری جنسی و بی‌پناهی آنها را به همراه دارد. از سوی دیگر، این مقوله محوری با «تئوری سبک زندگی» و «فعالیت روزانه» ارتباط تنگاتنگی دارد. در واقع، آسیب‌پذیری زنان بی‌خانمان، حاصل زندگی روزمره و فعالیت‌هایی است که آنها داشته و فضایی است که در آن قرار می‌گیرند.

همنشینی افتراقی با همتایان آسیب‌دیده و مستعد شدن فضا جهت ارتباط با عواملان بالقوه آزار (تئوری همنشینی افتراقی ساترلند)، طرد اجتماعی، فقدان حمایت اجتماعی و ناکارآمدی سیاست‌های اجتماعی (تئوری حمایت اجتماعی)، به یدک کشیدن داغ اجتماعی و انگ و برچسب منفی از سوی جامعه و نهادهای اجتماعی (تئوری برچسب‌زنی)، حضور در محلات بی‌سازمان و آشفته شهری که فاقد نظارت‌های اجتماعی و انتظامی لازم است (تئوری بی‌سازمانی اجتماعی) و فشارهای اجتماعی - اقتصادی بی‌شمار که زنان بی‌خانمان را از دستیابی به حداقل نیازها و اهداف خود محروم می‌کند (تئوری فشار اجتماعی)، مفاهیم و نظریه‌هایی هستند که با بهره‌گیری از آنها می‌توان گفت، آسیب‌پذیری و بی‌پناهی در تجربه زیسته زنان بی‌خانمان، مقوله مرکزی و بیان‌کننده تجربیات متعدد آنها در یک مقوله انتزاعی است.

در خصوص استراتژی زنان بی‌خانمان قربانی خشونت جنسی برای مواجهه با شرایط خود، دو مقوله؛ سازگارمدار و بهبودمدار (تغییرمدار) به دست آمد. در ارتباط با مقوله اول (راهبردهای سازگارمدار)، می‌توان گفت که در اینجا سازگاری یا انطباق با شرایط موجود (خشونت جنسی)، راهبرد اصلی مشارکت‌کنندگان پژوهش است. آنها عمدتاً کسانی هستند که با بی‌خانمانی مزمن یا عمیق درگیرند و به برون‌رفت از شرایط منفی خود کمتر می‌اندیشند. مقوله دوم (راهبردهای تغییرمدار - بهبودمدار)، بیانگر اقدام

فعالانه مشارکت‌کنندگان پژوهش به‌منظور رهایی‌بخشی از شرایط منفی همراه با خشونت جنسی است. آن‌ها عمدتاً با درجات کمتری از بی‌خانمانی درگیرند و میزان آسیب‌پذیری آنها به‌مراتب کمتر از گروه اول است.

در محور انتهایی پژوهش، پیامدهای به‌کارگیری راهبردها بررسی شد. اگرچه طیف وسیعی از زنان مشارکت‌کننده، راهبردهای سازگارمدار را به‌کاربرده‌اند و به‌گونه‌ای در پی انطباق با شرایط موجود بوده‌اند و انتظار می‌رفت که با سازگار شدن با شرایط منفی خود، مشکلات کمتری را تجربه کنند، ولی یافته‌های مرتبط با این بخش نشان از پیامدهای منفی چندگانه‌ای دارد. در واقع، آن‌ها، پیامدهای منفی متعددی را در ابعاد روانی، جسمانی و اجتماعی تجربه کرده‌اند. پیامدهایی که ابعاد مختلف شخصیتی آنها را به‌شدت مخرب و آسیب‌پذیر نموده است. احساس کالا شدگی، احساس بی‌ارزشی و حقارت، احساس گناه، افکار خودکشی و موارد مشابه دیگر، برخی از افکار، احساسات و هیجانات منفی بی‌شماری است که مشارکت‌کنندگان این طیف با آن درگیرند.

ترس از حضور در اجتماع و نگرانی مداومی که با زنان همراه است، امکان هرگونه روابط و مشارکت اجتماعی سازنده را از زنان سلب کرده و ابعاد روانی - اجتماعی زندگی آنها را به‌شدت تحت تأثیرات منفی خود قرار می‌دهد. ابعاد اجتماعی به‌کارگیری راهبردهای سازگارمدار، گسست مشارکت اجتماعی، انزوای اجتماعی و فقدان تعلق اجتماعی را به همراه دارد. شرایطی که امکان هرگونه حضور مثبت در اجتماع و ادغام در فعالیت‌های مثبت اجتماعی را از زنان بی‌خانمان سلب می‌کند. ابعادی که می‌توان آنها را تحت عنوان کلی "طرد اجتماعی" نام‌گذاری نمود. در نهایت، پیامدهای به‌کارگیری راهبردهای تغییرمدار - بهبودمدار عمدتاً در ابعاد مثبت بوده و احساسات و هیجانات مثبتی همچون افزایش اعتمادبه‌نفس و احساس ارزشمند بودن را در پی دارد. می‌توان این‌گونه بحث نمود که هیجانات و احساسات مثبت یادشده به‌گونه‌ای است که احتمال بازگشت این طیف از زنان را به جامعه و شرایط سلامت بخش افزایش می‌دهد.

پیشنهادها کاربردی به مسئولان و متولیان ذی‌ربط

۱- سازمان‌های دولتی و مردم‌نهاد

- ایجاد بانک اطلاعاتی از زنان بی‌خانمان و قربانیان خشونت جنسی
- نیازسنجی از نیازهای متنوع گروه هدف و طراحی مداخلات لازم جهت تأمین آن نیازها
- آموزش مهارت‌های زندگی
- آموزش مهارت‌های خودمراقبتی و کاهش آسیب
- برنامه‌ریزی برای بازپیوند افراد به خانواده
- تقویت نظارت‌های اجتماعی و انتظامی در محلات آسیب‌خیز شهری
- تدارک برنامه‌های انگیزش محور در سطوح مختلف
- طراحی و اجرای مداخلات درمانی سیستماتیک
- طراحی سیستم مداخلاتی - مراقبتی مؤثر جهت حمایت از گروه هدف، پس از طی نمودن دوره‌های بهبودی اولیه

۲- مددکاران اجتماعی و خبرگان دانشگاهی

- تلاش برای گفتمان‌سازی در حوزه توانمندسازی و توان‌بخشی زنان بی‌خانمان با هدف رهایی آنها از آسیب‌هایی همچون خشونت جنسی
- نفوذ در حوزه‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجتماعی با هدف طراحی و اجرای مداخلات حمایتی مؤثر
- ارائه طرح‌های مداخلاتی سطح خرد و کلان به نهادهای مسئول و برنامه‌ریز
- حساس‌سازی و آگاه‌سازی دانشجویان مددکاری اجتماعی در قالب متون دانشگاهی نسبت به ضرورت توجه به مسائل اجتماعی مختلف از جمله خشونت جنسی در زنان بی‌خانمان

محدودیت‌های پژوهش

- تابو بودن موضوع خشونت جنسی و کم میلی بسیاری از بی‌خانمان‌ها جهت حضور در پژوهش
- حضور در محلات آسیب خیز شهری و احتمال آسیب دیدگی محقق
- دشواری دسترسی به مشارکت‌کنندگان



منابع

- احمدی، حبیب. (۱۳۹۲)، *جامعه‌شناسی انحرافات*، انتشارات سمت.
- ادهمی، جمال؛ ترکمان، مهدی؛ کلهر، سمیرا و دغاغله، عقیل. (۱۳۹۰)، *کلان‌شهر تهران و تکدی‌گری*، انتشارات: جامعه و فرهنگ.
- ابازری، یوسف؛ صادقی فسایی، سهیلا و حمیدی، نفیسه. (۱۳۸۷)، احساس ناامنی در تجربه زنان از زندگی روزمره، *پژوهش زنان*، دوره ۶، شماره ۱.
- استراوس، انسلم؛ کربین، جولیت (۱۳۹۲)، *مبانی پژوهش کیفی*، ترجمه: ابراهیم افشار، تهران: نشرنی.
- پروین، ستار، علی‌اصغر درویشی فرد و قباد کاظمی. (۱۳۹۳)، بی‌سازمانی اجتماعی و آسیب‌های پنهان شهری: مطالعه مورد محله هرندی، *مجله مطالعات جامعه‌شناختی*، دوره ۲۳ شماره ۱.
- پروین، ستار؛ کلاتری، عبدالحسین و محمدرحیم صفری. (۱۳۹۳)، تجربه روزمره کارگران میدین میوه و تره بار در شهر تهران (با تأکید بر آسیب‌های اجتماعی)، *فصلنامه پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی*، شماره ۱.
- حسن‌پور ازغدی، سیده بتول؛ سیمبر، معصومه و کرمانی، مهدی. (۱۳۹۰)، خشونت خانگی علیه زنان: مروری بر نظریه‌ها، میزان شیوع و عوامل مؤثر بر آن (مقاله موردی)، *نشریه دانشکده پرستاری و مامایی*، دوره ۲۱، شماره ۷۳.
- خیرالله پور، اکبر. (۱۳۸۳)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت روانی با تأکید بر سرمایه اجتماعی "مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی"، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات و علوم انسانی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی*.
- درویشی، علی‌اصغر و فیضی پور، خدیجه. (۱۳۹۸)، فهم تجربه زیسته زنان بی‌خانمان، *فصلنامه پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی*، شماره ۱۴.
- دیماتو، ام رایین. (۱۳۷۸)، *روانشناسی سلامت*، ترجمه: محمد کاویانی و همکاران، جلد اول: انتشارات سمت.
- سام آرام، عزت اله. (۱۳۹۱)، *نظریه‌های مددکاری اجتماعی*، انتشارات: دانشگاه علامه طباطبائی.
- محمدی، فائزه و میرزایی، رحمت. (۱۳۹۱)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان (مطالعه شهرستان روانسر)، *فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۶، شماره ۱.

- صادقی فسائی، سهیلا؛ آهنگرسله بنی، اعظم؛ دانش، پروانه و قاضی نژاد، مریم. (۱۳۹۳)، درک و تصور زنان از قربانی شدن (مطالعه کیفی در شهر تهران)، *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۲، شماره ۳.
- صادقی فسائی، سهیلا. (۱۳۸۹)، «مطالعه جامعه‌شناختی آزار جنسی در محیط کار»، *فصلنامه پژوهش زنان*، شماره ۳۰.
- علیوردی نیا، اکبر و علیمردانی، منا. (۱۳۹۶)، کاربست تجربی نظریه فعالیت‌های روزمره در بررسی رفتارهای انحرافی دانشجویان، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۸، شماره ۶۷.
- Breton, M., T. Bunston. 1992. "Physical and sexual violence in the lives of homeless women." *Canadian Journal of Community Mental Health* 11:1, 29-44.
- Jessica A Heerde & Sheryl A Hemphill. (2015). Sexual Risk Behaviors, Sexual Offenses, and Sexual Victimization Among Homeless Youth: A Systematic Review of Associations With Substance Use. *Article in Trauma Violence & Abuse* 15(5):468-489. DOI: 10.1177/1524838015584371
- Heather D. Tevendale, Marguerita Lightfoot & Suzanne L. Slocum. (2009). Individual and Environmental Protective Factors for Risky Sexual Behavior among Homeless Youth: An Exploration of Gender Differences. *Article in AIDS and Behavior* 13(1):154-64 .
- Goodman, L., Fels, K., and Glenn, C. (2006). *No Safe Place: Sexual assault in the lives of homeless women*. Retrieved June 18, 2006, from <http://www.vawnet.org>.
- Georgia Network to End Sexual Assault, (2020).
- Linda L. Halcón, Alan R Lifson. (2004). Prevalence and Predictors of Sexual Risks Among Homeless Youth. *Article in Journal of Youth and Adolescence* 33(1):71-80. DOI: 10.1023/A:1027338514930.
- Pennsylvania Coalition Against Rape. (2007). *Poverty and Sexual Violence: Building Prevention and Intervention Responses*.
- Suzanne L. Wenzel, Paul Koegel & Lillian Gelberg. (2000). Antecedents of Physical and Sexual Victimization Among Homeless Women: A Comparison to Homeless Men. *American Journal of Community Psychology* volume 28, pages367-3.
- Tyler, Kimberly A.; Whitbeck, Les B.; Hoyt, Dan R.; and Cauce, Ana Mari. (2001). "The Effects of a High-Risk Environment on the Sexual Victimization of Homeless and Runaway Youth". Sociology Department, Faculty Publications. 40. <https://digitalcommons.unl.edu/sociologyfacpub/40>